

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی

۱۷ می ۲۰۱۷

سناریوی «انتخابات» و رابط دولت و نویسندگان و هنرمندان!

پس از گذشت ۳۸ سال از تاریخ حاکمیت جمهوری اسلامی، دوازدهمین دور انتخابات ریاست جمهوری در ایران در شرایطی برگزار می‌شود که ایران بیشترین سرانه اعدام را در جهان دارد، یکی از پنج زندان بزرگ جهان برای فعالان رسانه‌ای ست و در رده‌بندی گزارشگران بدون مرز درباره آزادی رسانه‌ها در میان ۱۸۰ کشور مورد بررسی در جایگاه ۱۶۵ قرار دارد.

با این اوصاف، تعدادی از نویسندگان و هنرمندان جامعه ما، به دنبال این شعبده‌بازی انتخابات ریاست جمهوری و یا شوراهای شهر و روستا حکومت اسلامی افتاده‌اند و درباره این نمایش انتخاباتی، آن‌چنان جدی سخن می‌گویند که انگار در ایران زندگی نمی‌کنند و این شش عنصر معروف حکومتی نامزدهای بیست رهبری و شورای نگهبان را نمی‌شناسند و مهمتر از همه، اعمال و رفتار جنایت‌کارانه و وحشیانه سی و هشت ساله حکومت اسلامی را تجربه نکرده‌اند!

انتخابات دوازدهمین دوره ریاست جمهوری همزمان با انتخابات پنجمین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا و نخستین میان دوره‌ای دهمین دوره مجلس شورای اسلامی، روز جمعه ۲۹ اردیبهشت ماه برگزار می‌شود. حسن روحانی، اسحاق جهانگیری، سیدمصطفی هاشمی طبا، سیدابراهیم رئیسی و سیدمصطفی میرسلیم نامزدهای انتخابات این دوره ریاست جمهوری هستند. قالیباف دیروز دوشنبه ۲۵ اردیبهشت، به نفع رئیسی کناره‌گیری کرد. همچنین اسحاق جهانگیری نیز به دنبال قالیباف، با صدور بیانیه‌ای کناره‌گیری خود را از ادامه رقابت‌های انتخاباتی به نفع حسن روحانی اعلام کرد.



هر دوره با آغاز تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری، از سوی کمپین‌های آن‌ها تلاش می‌شود تا گروه‌های مرجع در جامعه را به سمت خود جلب و جذب کنند. یکی از این گروه‌های مهم هنرمندان در رشته‌های مختلف و به‌خصوص هنرمندان شاخص سینما هستند که هر نامزد تلاش می‌کند با ارائه برنامه‌های خود و دیدار حضوری نظر آن‌ها را به‌سوی خود جلب کند. البته عملکرد افراد در قبال از نامزد شدن انتخابات نیز نقش به‌سزائی در مراجعه هنرمندان و گروه‌های مرجع به آن‌ها دارد.

اکنون در رابطه با این نمایش انتخاباتی، یک اپیدمی رای دادن بین برخی نویسندگان و به‌خصوص هنرمندان مشهور ایرانی راه افتاده و انگار با همدیگر مسابقه گذاشته‌اند تا نه تنها خود به یکی از جنایت‌کاران حکومت اسلامی رای دهند، بلکه مردم را نیز تشویق به رای دادن می‌کنند. هنرمندان و سینماگران به‌عنوان قشر «فرهیخته و پیشرو جامعه»، هم‌زمان با گرم شدن تنور انتخابات، دچار چنان شور و شوقی شده‌اند که شباهت زیادی به نقش‌هایشان در فیلم‌های سینمایی دارد.

حتی برخی از این هنرمندان سینما، یک‌شبه تحلیل‌گر سیاسی شده‌اند به‌طوری که دوآتشه در نکوهش و مضرات تحریم انتخابات دست به «روشنگری؟!» هم زده‌اند و برخی دیگر و مردم را به رای دادن تشویق کرده و بعضی دیگر حمایت خود را از یک نامزد اعلام داشتند. در حالی که این بخش از هنرمندان و نویسندگان تاکنون درباره بربریت حکومت اسلامی ایران، کم‌ترین اظهار نظری نکرده‌اند.

در واقع نویسندگان و هنرمندان مترقی و پیشرو، به‌عنوان شخصیت‌هایی شناخته شده و تأثیرگذار بین مردم هستند که همواره همراه مردم آزاده در عرصه‌های مختلف بوده‌اند و توصیه‌های آنان در مقاطع گوناگون آثار مثبتی داشته است.

هنرمندان که اهالی فرهنگ و هنر کشور محسوب می‌شوند موضوعات مختلف را به دلیل فرهیختگی خود از نگاه فرهنگی و هنری نگاه کرده و بر اساس آن دیدگاه فرهنگی به رویدادهای مختلف نظیر فعالیت‌های سیاسی دارند. آنان بر روی افکار عمومی جامعه تأثیری ماندگار دارند و هنرمندان هستند که مردم نیز بر روی این بخش از مردم جامعه نگاهی موشکافانه دارند و گاهی بسیاری از مردم و به‌خصوص جوانان آنان را الگوی خود قرار می‌دهند. نویسندگان و هنرمندان دارای ویژگی‌های و ظرایف و لطایف خاص خود را دارند که انتقال پیام‌ها با هنر توسط هنرمندان بسیار تأثیر گذارتر است و نقش و حضور جامعه هنرمندان در تمام ابعاد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی با شور و حال هنری بر مردم تأثیر به‌سزائی دارد.

در طول سال‌های گذشته و دهه شصت، خط فقر نسبی روی دهک پنجم و ششم بود. یعنی ۵۰ درصد جامعه بالای فقر نسبی بودند و ۵۰ درصد جامعه پائین خط فقر نسبی. اما در دهه ۷۰، این خط فقر نسبی بین دهک ششم و هفتم قرار گرفت به این معنی که ۶۰ درصد جامعه زیر خط فقر رفتند. یعنی در دوره ۸۰ به‌طور میانگین بین ۷۰ تا ۸۰ درصد افراد جامعه زیر خط فقر قرار گرفتند. یعنی طبقه متوسط، همواره به سطح زیر خط فقر سقوط کرد. ادامه این وضعیت جامعه ایران را در وضعیت دشوارتری قرار داده که یکی از آن‌ها به‌طور کلی فروپاشی شیرازه جامعه و ارزش‌ها و معیارهای انسانی است. افزایش آمار خشونت هم این مسأله را نشان می‌دهد. در حالی که جامعه ایران در سال ۷۶، به ازای هر صد هزار نفر ۵۴۴ خشونت داشت. در سال ۸۱، این آمار به ۸۱۶ مورد رسیده و این شاخص تاکنون همچنان در حال افزایش است.

هر چند که آمار و ارقامی که ارگان‌ها و عناصر حکومتی از مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌دهند معمولاً غیرواقعی و دروغ است تا وضعیت به‌غایت سیاه کشور و حکومت‌شان را سفیدنمایی کنند، اما نحوه دستکاری کردن این آمار توسط ارگان‌ها مختلف حکومت هم جالب توجه است.

در چنین حکومتی، آیا آقایان نویسندگان معروفی همچون محمود دولت‌آبادی و هنرمندان سرشناس سینمای ایران مانند اصغر فرهادی، جمشید مشایخی، خانم ترانه علی‌دوستی، شهاب حسینی، رضا کنعانیان و...، نسبت به این وضعیت دردناک جامعه ایران، آن‌هم پس از سی و هشت سال حاکمیت خون‌بار و فاجعه‌بار حکومت اسلامی، واقعا چه قدر اندیشیده‌اند که این‌چنین با حرارت، فراخوان حضور بر سر صندوق‌های خونی انتخابات حکومت اسلامی می‌دهند! یا این که مصلحت‌اندیشی تا کجا و تا کی؟

برای نمونه، محمود دولت‌آبادی؛ نویسنده معروف ایران همانند دوره‌های گذشته، گفته است: «نظر من درباره آقای روحانی مثبت است.»

رضا کیانیان چندی پیش، یادداشت دیگری با تصویر «حتما رای می‌دهم» نوشت، و به زیان‌های تحریم انتخابات در کشورهایی که مردمانش پای صندوق‌های نرفته بودند پرداخته است: «ممکن است انتخاب کردن، ما را آن قدر که انتظار داریم به جلو نبرد، اما انتخاب نکردن، بیش‌تر از آن‌چه که تصور می‌کنیم ما را به عقب می‌راند.» پیش از رضا کیانیان نیز فاطمه معتمد آریا بازیگر فلم سینمایی نیز با درج تصویر «رای می‌دهم» آمادگی خود را برای حضور در انتخابات اعلام کرده بود.

اصغر فرهادی کارگردانی‌ست که دو جایزه اسکار را دارد، اعلام کرد: «به دکتر روحانی رای می‌دهم، امیدوارم کسانی که هنوز برای رای دادن در تردیدند با همه شرایط و دلایل قابل درکی که در نظر دارند به خاطر سرنوشت فرزندان این سرزمین و نسل آینده با رای دادنشان از این حداقل حق انتخاب خود، استفاده کنند.»

شهاب حسینی که جایزه سینمایی کن برای بازی در فلم سینمایی «فروشنده» را دریافت کرد و آن جایزه را نخست در فرانسه به مردم ایران تقدیم نمود اما به محض این که پایش به تهران رسید آن را پیشکش امام زمان کرد!؛ پیش از اصغر فرهادی سازنده «فروشنده» با نگارش متنی در صفحه شخصی اینستاگرام خود نوشت: «بلور نازک اعتماد خویش را در جهت باور بر آینده سرزمینم به دکتر روحانی اهدا می‌کنم.»

جمشید مشایخی، این بازیگر قدیمی سینما، تئاتر و تلویزیونی طی روزهای اخیر در حالی که در بیمارستان بستری بود، با انتشار یک پیام ویدئویی از حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری دوره دوازدهم حمایت کرد.

فریبرز عرب‌نیا، با انتشار پیام تصویری گفت: «من به وزارت ارشاد و دولت روحانی انتقاد جدی دارم اما در انتخابات شرکت می‌کنم و رای می‌دهم زیرا معتقدم دولت خاتمی از دولت احمدی‌نژاد بهتر بود و دولت حسن روحانی نیز از دولت احمدی‌نژاد بهتر است. به روحانی رای می‌دهم. آیا کسانی که نمی‌خواهند رای بدهید تفاوت شرایط در این دولت در قیاس با دولت احمدی‌نژاد برایتان ملموس نیست؟»

ترانه علی‌دوستی؛ «این درد مشترک هرگز جدا جدا درمان نمی‌شود و رای می‌دهم و به عقب بر نمی‌گردیم.» بهاره رهنما؛ «من بهاره رهنما نویسنده بازیگر و مادر ایرانی اعلام می‌کنم طرفدار پر و پا قرص «رای دادن» و بی‌تفاوت نبودم!»

رخشان بنی‌اعتماد؛ در صفحه اینستاگرام خود نوشته است که: «به حسن روحانی رای می‌دهم، نه با دل‌خوری و ناراضایی از عملکرد چهار سال دور اول و نه با خوش‌باوری باغ و گلستان شدن مملکت در چهار سال دور دوم.»

حسن فتحی کارگردان سریال معروف «شهرزاد» نیز در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «... در این برهه حساس تاریخ بی‌تفاوت نخواهم بود و به برنامه ثبات اجتماعی و توسعه سیاسی و اقتصادی دولت آقای دکتر روحانی رای می‌دهم، و همه هموطنان داخل و خارج از کشور را به حضور فعال در انتخابات دعوت می‌کنم. آباد باش ای ایران! بیدار باش ای ایران! آزاد باش ای ایران! دوباره برای ایران.»

سرمایه‌گذاران این سریال، حتی صندوق بازنشستگی معلمان را نیز بالا کشیده‌اند.

مهتاب کرامتی؛ در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «این جمله رو باید با آب طلا نوشت، «شعار انتخاباتی در کانادا: سیاست‌مداران بد توسط مردم خوبی که رای نمی‌دهند انتخاب می‌شوند.»

گوهر خیراندیش؛ صفحه اینستاگرام خود اعلام کرد: «از شما عزیزان خواهش می‌کنم بیایید با هم به پای صندوق‌های رای برویم و با درایت و هوشمندی، رئیس‌جمهور خود را انتخاب کنیم. چرا که انتخاب کردن حق ماست، هر چند محدود در انتخاب باشیم. رای من «دکتر حسن روحانی» است.»

حامد بهداد نیز اعلام کرد: «من حامد بهداد فرزند خراسانم و به روحانی رای می‌دهم.»

پانته‌آ بهرام؛ «ترجیح می‌دهم دوباره به آقای روحانی فرصت بدهم.»

«باران کوثری؛ «رای ندادن را نمی‌فهم.»

حمید گودرزی؛ «سینما جان دوباره در دولت یازدهم گرفت/خوشحالم که سالن‌های سینما خالی نیست.»

سحر دولتشاهی؛ «من به آینده کشورم امیدوارم. من مسؤلانه از حق رای دادن استفاده می‌کنم. رای می‌دهم. به عقب برنمی‌گردیم.»

...

همچنین جمعی از هنرمندان سینما و تلویزیون نیز از عموم مردم دعوت کرده‌اند امروز سه‌شنبه (۲۶ اردیبهشت) در همایش انتخاباتی حجت‌الاسلام ابراهیم رئیسی در مصلای تهران حضور پیدا کنند.

اسامی برخی از هنرمندان دعوت‌کننده عبارتند از: نادر طالب‌زاده، انسیه شاه‌حسینی، سیداحمد میرعلائی، حسین نیرومند، پرویز شیخ‌طادی، سید ضیاء‌الدین دری، مسعود دهنمکی، محسن علی‌اکبری، ابوالقاسم طالبی، مهدی فرجی، جمال شورجه، هوشنگ توکلی، جهانبخش سلطانی و...

در فراخوان این هنرمندان برای حضور در مصلای تهران جهت حمایت از سیدابراهیم رئیسی آمده است: «به امید آن‌که همه دل‌سوزان کشور اسلامی‌مان ایران عزیز در انتخابات ۲۹ اردیبهشت‌ماه پای صندوق‌های رای با حضور خود دشمنان این سرزمین را ناامید کنند.»

از سوئی دیگر علیرضا قزوه، شاعر از حمایت تعدادی از شاعران از رئیسی خبر داده است. قزوه درباره حمایت شاعران از رئیسی، گفته است: «تاکنون بیش از ۲۰۰ شاعر حمایت خود را از حجت‌الاسلام رئیسی اعلام کرده‌اند. همچنین در این راستا، تاکنون بیش از ۱۰۰ قطعه شعر سروده و در کانال‌ها و شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است. به‌گفته قزوه، از میان این ۱۰۰ قطعه دو سرود ساخته شده که در روزهای آتی از طریق رسانه‌ها منتشر خواهد شد. بر این اساس بیانیه حمایتی شاعران از رئیسی، فردا منتشر خواهد شد.

حبیب کاوش کارگردان، فلم‌نامه‌نویس و سخنگوی سابق شورای صنفی نمایش با انتشار متنی در صفحه شخصی خود از رای دادن به کاندیدای منتخب خود خبر داد و گفت که به حجت‌الاسلام رئیسی رای می‌دهد.

لیست این نویسندگان و هنرمندان «آگاه و روشن و مدرن؟!»، که برای انتخابات ریاست جمهوری حکومت جهل و جنایت و ترور و قرون وسطائی تبلیغ و ترویج می‌کنند را می‌توانید در پایان همین مطلب بخوانید.



همزمان در تبلیغات انتخابات دوازدهمین دوره ریاست جمهوری ایران نامزدها یکدیگر را به سوءاستفاده از امکانات و اموال عمومی و یا ارتباط با «مفسدان اقتصادی» متهم می‌کنند. اما همه آن‌ها با جدیت خط قرمزهای حکومت را رعایت می‌کنند. واقعا یک سؤال بدیهی این است که هزینه تبلیغات نامزدها از کجا تأمین می‌شود؟ شایان ذکر است که سه سال قبل وزیر کشور دولت روحانی، در یک برنامه تلویزیونی گفته بود که نگران ورود «پول‌های کثیف» به انتخابات مجلس شورای اسلامی است.

او در توضیح این مسأله که البته چندی بعد تکذیبش کرد، از ورود پول‌های حاصل از قاچاق مواد مخدر به برخی از ستادها خبر داده و گفته بود که دولت به دنبال الزام نامزدها برای شفاف‌سازی منابع مالی ستادهای انتخاباتی است. دولت حسن روحانی، همان زمان اعلام کرد که لایحه‌ای را به منظور شفاف‌سازی منابع مالی ستادهای انتخاباتی تدوین و به مجلس می‌فرستد تا راه ورود پول‌های کثیف به ستادهای تبلیغاتی نامزدها را مسدود کند. تاکنون از سرنوشت این لایحه، خبری منتشر نشده است تا در انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی هم همچنان بحث بر سر منابع مالی نامزدها ادامه یافت و اکنون نوبت نامزدهای ریاست جمهوری اسلامی است که در این باره «شفاف‌سازی» کنند!

اما اکنون نه تنها هیچ‌کس چنین انتظاری را از دم و دستگاه سرتاپا فاسد و تبهکار حکومت اسلامی ندارد، بلکه هر یک از نامزدها همچنان دیگری را به «ارتباط با مفسدان اقتصادی» و «سوءاستفاده از منابع و اموال عمومی» متهم می‌کنند.

در میان شش نامزد انتخابات تنها مصطفی میرسلیم عضو حزب مؤتلفه اسلامی، گفته است هزینه‌های ستاد تبلیغاتی‌اش را از محل منابع حزب مؤتلفه تأمین می‌کند.

از شش نامزد تأیید شده سه نفر در سمت دولت یا جناح اعتدال‌گرا (روحانی عضو سابق جامعه روحانیت مبارز و جهانگیری و هاشمی طبا اعضای کارگزاران) و سه نفر در جناح مخالف دولت قرار می‌گیرند (میرسلیم عضو مؤتلفه و قالیباف و رئیسی منتخبان جبهه مردمی نیروهای انقلاب - «جمنان»). بدین ترتیب شورای نگهبان در پی برقراری توازن میان نیروهای دو جناح اعتدال‌گرا و اصول‌گرا حتی در تعداد نامزدها بوده است، سیاستی که خامنه‌ای در دوره‌های ۸۴ و ۸۸ با حمایت کامل از یک جناح و گذاشته بود که برای حاکمیت هزینه‌ساز بود.

رد صلاحیت احمدی‌نژاد و بقائی در کنار تهدیدهای مقامات قضائی بیانگر این نکته هستند که خامنه‌ای خواهان انتخاباتی آرام و بی‌تنش و دولتی کم‌تنش‌تر در چهار سال آینده است.



احمدی‌نژاد و بقائی

بیت رهبری و اعضای شورای نگهبان می‌دانند که نامزدی جهانگیری و هاشمی طبا نامزدی احتیاطی، پوششی و حمایتی است و آن‌ها تا آخر نخواهند ماند. آن‌ها همچنین می‌دانند که میرسلیم شانس ندارد و حتی در رای‌گیری‌های «جمنا» در جمع پنج نفر نامزد مورد توجه بخشی از جناح اصول‌گرا قرار نگرفت. بنابراین، انتخابات در دور اول انتخاباتی سه طرفه خواهد شد: روحانی، قالیباف و رئیسی. البته اگر قالیباف یا میر سلیم کنار نروند ممکن است جهانگیری برای کاهش آرای طرف مقابل و جذب آرای کسانی که نمی‌خواهند به روحانی رای بدهند در صحنه باقی بماند و انتخابات در دور اول چهار طرفه باشد. اما اکنون که قالیباف رفته راه را بر دیگران هموار ساخته است. در هر صورت روشن است که خامنه‌ای و بیت و نهادهای امنیتی انتخاباتی دو قطبی نمی‌خواهند. خامنه‌ای در توصیه به احمدی‌نژاد برای نامزد نشدن به این خواست به صراحت اشاره کرده بود و اکنون در چپش نامزدها نیز می‌توان آن را دید.

قالیباف دارای دو پرونده فساد بزرگ، یعنی واگذاری اموال نجومی در شهرداری و پرونده استخدام چهار هزار مداح (با حقوق‌های ۹ تا ۱۱ میلیون تومانی) در متروی تهران است. او همچنین تا به حال دو بار در انتخابات ریاست جمهوری شانس خود را امتحان کرده و باخته است. از این جهت پیشاپیش روشن بود که او شانس بالایی برای پیروزی ندارد. بدین لحاظ، در نهایت چپش نامزدها از سوی شورای نگهبان (البته با هدایت بیت و نهادهای امنیتی و نظامی) متوجه به رقابت روحانی و رئیسی است. اما چون نهادهای امنیتی و نظامی و بیت رهبری از میزان استقبال به رئیسی مطمئن نیستند. نهادهای امنیتی و نظامی حکومت اسلامی در دوران انتخابات مدام نظرسنجی می‌کنند اما نتیجه فقط در اختیار رهبر، بیت و فرماندهان نظامی و مدیران عالی‌رتبه اطلاعاتی و امنیتی قرار می‌گیرد. شورای نگهبان در دوره اخیر، که دیگر با چالش نامزدهای غیرخودی و مخالفت اصلاح‌طلبان با رد صلاحیت‌ها و نظارت استصوابی مواجه نیست عملاً سه نقش را در انتخابات ریاست جمهوری بر عهده گرفته است: کاهش هزینه‌های سیاسی حکومت در پائین آوردن امکان رفتن انتخابات به دور دوم؛ هرچه تعداد نامزدها کمتر باشد امکان یک مرحله‌ای شدن انتخابات بیشتر است و شورای نگهبان با صافی تنگی که دارد امکان این تک مرحله‌ای شدن را بالا برده است.

محمدباقر قالیباف، نامزد اصول‌گرایان دوشنبه ۲۵ اردیبهشت‌ماه از نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری روز جمعه ۲۹ اردیبهشت‌ماه کنارگیری کرد. به‌گزارش خبرگزاری تسنیم، او تأکید کرد که هر چه در توان دارد را به کار خواهد گرفت تا رئیسی بر دولت «ناکارآمد و ناتوان» روحانی پیروز شود.

در پی انتشار خبر کنارگیری قالیباف از نامزدی در دوازدهمین انتخابات ریاست جمهوری ایران ابراهیم رئیسی، نامزد همسو با قالیباف در جبهه اصول‌گرایان از او تشکر کرد. رئیسی که دوشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۶ - ۱۵ مه ۲۰۱۷، در مصالای شیراز سخن می‌گفت کنارگیری قالیباف را «حرکتی انقلابی» خواند و باز هم از عملکرد دولت حسن روحانی انتقاد کرد. او با انتقاد از سیاست‌های اقتصادی دولت روحانی گفت: «وضعیت کشور را بنده و آقای قالیباف می‌بینیم. برخی می‌گویند از رکود عبور کرده‌ایم اما کشور همچنان رکودزده است.»

علاءالدین بروجردی، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی معتقد است که کنارگیری قالیباف مایه تقویت جبهه اصول‌گرایان در انتخابات و بالا رفتن شانس رئیسی برای پیروزی در انتخابات خواهد شد. بروجردی در گفت‌وگو با خبرگزاری خانه ملت انصراف قالیباف به نفع رئیسی از انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۶ را اقدامی «بسیار ارزشمند و انقلابی و در جهت مصالح کلان کشور» قلمداد کرد. او گفت که این کنارگیری «خانواده اصول‌گرایان را تقویت خواهد کرد و... خروجی هر چه باشد، اصول‌گرایان با سبد رئی بزرگتری عرض اندام می‌کنند.»

محسن رضائی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز از اقدام قالیباف حمایت کرد و آن را «علامت پایان تفرقه در جبهه انقلاب اسلامی» شمرد.

به‌گزارش ایرنا، محمدجواد حق‌شناس، عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی، گفت: «قالیباف از روند حمایت اصول‌گرایان و به ویژه جمنا (جبهه مردمی نیروهای انقلاب) از خود ناراضی بود. ولی وقتی با مقاومت و مقابله اصول‌گرایان با انتخاب وی به عنوان نامزد اصلی جمنا روبرو شد با دل‌خوری از انتخابات کنارگیری کرد.» در چنین شرایطی، این سؤال مطرح است که روشنفکر و هنرمند کیست و وظایف‌شان کدام است؟ البته در این مورد نظرات مختلفی وجود دارد. گرایشات محافظه‌کار و همچنین حکومت‌ها و صاحبان قدرت، همواره اغلب روشنفکران مترقی، پیشرو، رادیکال، انسان دوست، برابری‌طلب و مبارزه را مخالف نظم موجود می‌دانند و نه تنها با آن‌ها مخالفند، بلکه به عناوین مختلف آن‌ها را سرکوب و ایزوله می‌کنند.

البته در میان روشنفکران و هنرمندان همچون دیگر گروه‌های جامعه، به گرایشات سمپاتی دارند و متاثر از گرایشات مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی هستند. اما بخش آگاه جامعه، که دیگه مثبتی به روشنفکران دارند آن‌ها را چشم و گوش آگاه جامعه، موتور محرک جامعه و حافظ آزادی و برابری و عدالت اجتماعی می‌دانند.

نویسندگان، شاعران، هنرمندان (نقاشان، موسیقی‌دانان، اهل تئاتر، اهل سینما)، مترجمان، روزنامه‌نگاران، منتقدین و محققین و تحلیل‌گران و برخی استادان دانشگاه و دانشمندان نیز روشنفکر نامیده می‌شوند.

بخشی از این مجموعه نویسندگان و هنرمندان در خدمت دولت و قدرت هستند که «روشنفکران و هنرمندان دولتی» خوانده می‌شوند و عده‌ای نیز هیچ وابستگی به قدرت و دولت ندارند و عمدتاً در جبهه مقابل آن هستند که «روشنفکران و هنرمندان مستقل» نامیده می‌شوند.

البته در این میان، نویسندگان و هنرمندانی هم هستند که فارغ از هر مسأله‌ای صرفاً به فکر خویش‌اند و اغلب آن‌چه در اطراف‌شان می‌گذرد چشم و گوش خود را به آن‌ها می‌بندند و به اصلاح «خوش‌نشین» هستند.

اما در یک تقسیم‌بندی کلی، هنرمندان و نویسندگان به دو دسته «حکومتی» و «غیرحکومتی» و «مستقل» تقسیم می‌شوند.

نویسنده و هنرمندان، علاوه بر این که به فعالیت‌های مورد علاقه خود در عرصه فرهنگی و هنری می‌پردازد، در عین حال ذهن و فکرشان را معضلات و مشکلات اجتماعی و درد و رنج مردم و مطالبات اجتماعی آنان می‌گیرد و نسبت به تحولات جامعه، حساس هستند. از این‌رو، آن‌هایی که همواره به نقد ساختار حاکمیت و قدرت و در دفاع از مطالبات و خواست‌های برحق و عالانه مردم حق‌طلب، عدالت‌جو و آزادی‌خواه می‌پردازند به‌لحاظ اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تحت فشارند.

نویسنده و هنرمند مسئول در قبال جامعه‌اش، پیش از این که جامعه و افراد را نقد کند، اول خود جایگاه خودش را تعیین می‌کند. زیرا هر کاری با خود فرد شروع می‌شود. وقتی که زیربنای هر حرکتی و تلاشی درست و اصولی و محکم‌پیزی نشود، بقیه آن نیز کج و معوج و نادرست ساخته خواهد شد. بنابراین، یک نویسنده و هنرمند و هر انسان جدی، ابتدا هدف و جهت و موقعیت و نظر و جایگاه خود را در جامعه مشخص می‌کند و بعد به‌طور نظری و عملی راه و چاه را به دیگران نشان می‌دهد.

هنرمند و نویسنده واقع بین و مردمی، همواره در جامعه همراه مردم و برای مردم تلاش می‌کند. این بخش از نویسندگان و هنرمندان، همواره منتقد حاکمیت و قدرت هستند. چرا که آن‌ها، نان‌خور حکومت نیستند و هرگز به حاکمان و عناصر ریز و درشت آن چاپلوسی و تملق‌گویی نمی‌کنند. به‌همین دلیل نیز حکومت‌های فاشیستی و استبدادی، این بخش از روشنفکران را دشمن شماره یک خود می‌دانند و برای منزوی کردن آن‌ها در جامعه و حتی در جهت حذف فیزیکی آن‌ها، به هر ترفندی و توطئه‌ای و جنایتی متوسل می‌شود.

در این میان سؤال این است کسانی که نام «نویسنده و هنرمند» را با خود یدک می‌کشند چگونه می‌توانند حامی یک حکومت جانی و یا جناحی و عنصری از آن باشند؟ چرا برخی از دانشگاهیان و به‌اصطلاح روشنفکران و هنرمندان ایرانی در داخل و خارج کشور، چهار سال پیش از به قدرت رسیدن روحانی این همه ذوق زده شده بودند آیا اکنون تغییر عقیده داده‌اند و یا برخی همان موضع سابق خود را دارند.

اما اگر توجیه‌شان این است که چهار سال پیش ماهیت روحانی روشن نشده بود هر چند عذر بدتر از گناه است و روحانی یکی از عناصر امنیتی شناخته شده در این ۳۸ سال حاکمیت نکت‌بار حکومت اسلامی بوده و هست دست‌کم باید کارنامه چهار ساله ریاست جمهوری او را در رابطه با موج جدیدی از اعدام‌ها، سرکوب‌ها، غارتگری‌ها، بی‌حقوقی‌ها و غیره شاهد بوده‌اند. اکنون می‌دانند روحانی، رئیسی، قالیباف، میرسلیم و... کیستند و این یکی جانی‌تر و تبه‌کارتر از آن یکی است.

با در نظر گرفتن آنچه که در بالا گفته شد اکنون دیدگاه‌های برخی هنرمندان نسبت به رویداد انتخابات درناک و حزن‌انگیز است برای مثال، خبرگزاری حکومتی ایرنا مرکز استان، با تکی چند از این هنرمندان، گفت‌وگویی درباره موضوع انتخابات داشته است.

مهران رجبی بازیگر سینما و تلویزیون در خصوص نقش مشارکت حداکثری مردم در انتخابات، گفت: قدرت یک کشور فقط موشک‌های آن کشور نیست برای این‌که موشک‌ها به درستی به هدف زده و عملیاتی شوند، لازم است که پشتوانه مردمی بالایی داشته باشند... صندوق رای و داشتن یک آرای بالا بهتر از داشتن یک زرادخانه بزرگ موشکی برای حفظ کشور و امنیت کشور است.

رجبی ادامه داد: اگرچه موشک‌ها برای حفظ کشور کار خود را می‌کنند ولی موشک برای رسیدن به هدف درست باید همراه با پشتوانه مردم باشد. او تأکید کرد: اگر مراجعه به صندوق‌های رای نکنید انتظار قدرت زیادی از کشور نباید داشته باشید. حتما مردم به پای صندوق‌های رای بروند و حضور حداکثری، هدف‌گیری قدرت ایران را بیش‌تر می‌کند.

حسین پاکدل، نویسنده، بازیگر و کارگردان ایرانی نیز به خبرنگار ایرنا گفت: ... با اعلام حضور پای صندوق‌های رای تا آنجا که می‌شود سرنوشت خود را به دست درایت، عقل و ایمان و زیبایی بدهیم تا جمود و تنگ نظری به عزلت رانده شود. وی تأکید کرد: با رای خود ثابت کنیم خواستار ارتباط همراه با احترام متقابل با جهان هستیم، با رای ما مدیران و مسئولین دل‌سوز و فهیم که از اتفاق کم هم نیستند، با تلاشی مضاعف و سری بلند، به کار و تلاش خود ادامه می‌دهند.



داوود فتحعلی بیگی، بازیگر تئاتر و سینما و تلویزیون نیز در خصوص اهمیت حضور در انتخابات، گفت: شرکت در انتخابات ضروری است زیرا به تعیین سرنوشت ما مربوط می‌شود و چه ما شرکت کنیم و چه شرکت نکنیم فردی انتخاب خواهد شد، پس بهتر است از حق و حقوق قانونی، سیاسی و اجتماعی که به ما واگذار شده و حق طبیعی خودمان هست، استفاده کنیم.

او ادعا کرد: این‌که نخواهیم شرکت کنیم، لطمه بزرگی می‌زنیم و دشمنان آب و خاک و کسانی که مخالف استقلال مملکت هستند، سرو و صدا می‌کنند که این حکومت پایگاه اجتماعی ندارد، از طرف دیگر ما با انتخاب خودمان می‌توانیم کسی را بر کرسی بنشانیم که بتواند در راستای اهداف ملی و منافع ملی و رفع شدن مشکلات مردم قدم بردارد.

باکیده که در عرصه‌های مختلف تولید فیلم همچون منشی صحنه، طراح صحنه، دکور، طراح دکور و دستیار دکور فعالیت کرده، اظهار داشت: قطعا هنرمندان با توجه به این پروسه زمانی که در جریان انقلاب اسلامی شکل گرفت، به لحاظ ارائه کارهای خودشان و نقش خودشان در جامعه پخته‌تر و مطرح شدند.

او گفت: در این‌گونه مقاطع همچون انتخابات اعم از ریاست جمهوری، مجلس، خبرگان و یا شوراهای اسلامی شهر هنرمندان ما حضور وسیع‌تری را گذشته از نگرش‌ها و طیف‌های مختلف و جناح‌بندی‌های سیاسی و انتخاباتی که وجود دارد، خواهند داشت.

ابوالفضل همراه گفت: هنرمندان باید نسبت به مقوله انتخابات و تشویق هر چه بیشتر مردم به حضور همه جانبه در انتخابات حساس بوده و بی تفاوت از کنار آن نگذرند.

همراه با اشاره به این که دولت های گذشته تاکنون اقدامات خوبی را انجام داده اما ناکافی بوده اظهار داشت: بنا به فرمایش مقام معظم رهبری هر چه برای این مردم کار کنیم کم بوده و برای تلاش و کار، می توان بیشتر فعالیت کرد.

اصغر نقی زاده دیگر هنرمند تئاتر، تلویزیون و سینما گفت: هر چه میزان حضور مردم در انتخابات بیشتر باشد دشمنان جرات این که بخواهند به کشور ما نگاه چپ کنند را نخواهد داشت.

او ادامه داد: تشویق مردم به حضور حداکثری در انتخابات یک وظیفه همگانی است و هنرمندان نیز با جایگاه والایی که دارند می توانند تأثیر بسیار زیادی در انجام این وظیفه داشته باشند.

خبرآنلاین: رخشان بنی اعتماد از انتخاب افراد متخصص و کارآمد در انتخابات شورای شهر نوشت. وی متنی را درباره انتخاب افراد شایسته در انتخابات شورای شهر تهران در اینستاگرام منتشر کرد.

این کارگردان سینما در همین راستا نوشت: «فرصت انتخاب افراد متخصص و کارآمد را در لیست تأیید شدگان شورای شهر از دست ندهیم.

کسانی که حتی اگر اسامی شناخته شده ای نیستند، کارنامه کاری شان نشان از یک عمر تلاش برای بهبود بخشی شرایط اجتماعی دارد.

کسانی که معتقد به اثرگذاری عمیق و تغییر بوده و هستند و نه نمایش و در بوق و کرنا کردن فعالیت هایشان. کسانی که نه به روش های تبلیغاتی مرسوم آشنا هستند و نه معتقد به سرمایه گذاری برای جلب آرای عمومی. فارغ از این که اسم این افراد در لیستی باشد و یا نه، بشناسیم و بشناسیم شان.»

در دومین مناظره میان کاندیداهای ریاست جمهوری با موضوع فرهنگ و سیاست برگزار شد و موضوع «شجریان» بدون توجه باقی ماند.

به گزارش خبرنگار فرهنگی باشگاه خبرنگاران پویا، وقتی چهار سال پیش یکی از کاندیداهای ریاست جمهوری، با نام بردن از محمدرضا شجریان و تعریف و تمجیدهای هنری از او، قلب بخشی از ای دهندگان را از آن خود کرد؛ وقتی چهار سال پیش در آن مناظره معروف «شجریان» برگ برنده کاندیدائی بود که اکنون چهار سال از ریاست جمهوری اش می گذرد؛ کسی فکرش را هم نمی کرد که عاقبت آن همه سخن و وعده، به این جا بکشد.

آن زمان تمام علاقه مندان به موسیقی و هنر در ایران، سودای بازگشت شجریان در فضائی پر از دوستی و مهر و آشتی را داشتند.

اکنون که دولت یازدهم در آخرین سال عمر خود به سر می برد، هنوز نتوانسته و به قطع نخواهد توانست (در فرصت اندک باقی مانده از دولت یازدهم) به وعده های خود درباره مهم ترین چهره موسیقی ایران جامه عمل بپوشاند.

حسن روحانی در آن روزگار از شجریان و هنرش تعریف و تمجیدهای بسیاری کرد، اما هرگز نتوانست وعده هایش درباره شجریان را عملی کند. روحانی در صحبت هایش از این حرف زد که شجریان باید سفیر فرهنگ و هنر ایران باشد. روحانی از این دم زد که چرا شجریان نباید بتواند در کشورش کنسرت برگزار کند.



همین حرف‌ها موجب شد که بسیاری از هنرمندان و اهل هنر و فرهنگ با او همراه شوند و حسن روحانی را حامی واقعی هنرمندان قلمداد کنند. حرف‌های روحانی در آن زمان این تصور را میان علاقه‌مندان به فرهنگ و هنر ایجاد کرد که او تمام تلاش و همت خود را به کار می‌گیرد تا محمدرضا شجریان را بار دیگر به عرصه هنر ایران بازگرداند. روحانی با شعار «اعتدال» پیش آمده بود و همین شعار همه را امیدوار کرد تا در فضای دوستی، شجریان بار دیگر به عرصه هنر ایران بازگردد و بتواند برای مردم کشورش کنسرت برگزار کند. حرف‌های روحانی آنقدر با اطمینان خاطر بود که همه ایمان داشتند که او توان عملی کردن این وعده‌ها را دارد.

محمدرضا شجریان که به‌خاطر مواضعش در سال ۱۳۸۸ دچار مشکل شد، چند سال بعد خودش هم مصاحبه‌هایی کرد و درباره واکنش‌هایش در سال ۱۳۸۸ توضیحاتی را ارائه داد. شجریان از این سخن گفت که مشکلتش با شخص رئیس جمهور پیشین بوده و خود را به کلیت نظام پایبند می‌داند. این سخنان زمینه را برای بازگشت شجریان به صحنه موسیقی ایرانی تا حد زیادی مهیا کرده بود و همه منتظر حمایت همه‌جانبه دولت از او بودند.

اما این حرف‌ها هم نتوانست همتی بلند از سوی دولت یازدهم برای حمایت از او پدید بیاورد. بی‌مهری‌های دولت یازدهم ادامه داشت تا در نهایت در نوروز ۱۳۹۵ شجریان با انتشار ویدیویی، از سرطانش پرده برداشت. یگانه مرد آواز ایران از نوروز ۹۵ تا اکنون در بستر بیماری است و دیگر توان خواندن ندارد و شاید آخرین فرصت‌های شجریان برای خواندن برای مردم ایران از کف رفت.

البته هنوز هم باید امیدوار بود که محمدرضا شجریان بتواند سلامتیش را به دست بیاورد و بار دیگر برای مردم ایران آواز بخواند.

نتیجه آنچه در مناظره‌های ریاست جمهوری دوره یازدهم بیان شد اما عملی نشد، نوعی بی‌اعتمادی اهل هنر و علاقه‌مندان به هنر بود. اگر نگاهی به گفته‌های هنرمندان در همین چند ماه گذشته بیندازید، متوجه این مطلب می‌شوید که دولت یازدهم نتوانسته رضایت هنرمندان را جلب کند.

تا پیش از این نام بردن از هنرمندان و استفاده (بخوانید سوءاستفاده) از جایگاه مردمی آنان ترفندی برای جلب نظر مردم بود، اما وعده‌های عملی‌نشده روحانی درباره شجریان کار را به جایی کشانده که دیگر این ترفند هم بی‌استفاده شده است.

به نوشته این رسانه، کسانی که مناظره دوم میان کاندیداهای ریاست جمهوری در دوره دوازدهم انجام شد، منتظر بودند تا ببینند حسن روحانی چه توجیهی برای عمل نکردن به مهم‌ترین وعده‌اش در زمینه فرهنگ و هنر دارد. همگان منتظر بودند تا روحانی درباره شجریان و فرصتی که از دست رفت سخن بگوید.

اما او چیزی نگفت و حتی باز هم فرار رو به جلو کرد.

حسن روحانی: «ما الان یک هنرمند داریم که از دعای ربنایش ممانعت می‌کنیم، با این اوضاع چطور می‌توانیم تعالی و پیشرفت داشته باشیم؟»

این جمله‌ای بود که حسن روحانی درباره شجریان بیان کرد و جالب این که حاضر نشد نام او را به‌طور مشخص بیان کند، در واقع روحانی با این سخن خواست مقصر اوضاع کنونی شجریان را تلویزیون قلمداد کند.

حسن روحانی توجیهی برای عملکرد چهار سال گذشته‌اش در زمینه فرهنگ و هنر نداشت و حاضر نشد درباره مهم‌ترین سخنانش در مناظره‌های دور قبل ریاست جمهوری سخنی بگوید.

علیرضا افتخاری در همایش بزرگداشت روز خبرنگار، اجرای موسیقی داشت. بعد از آوازخوانی ناگهان سراسیمه و با هیجان از سن پائین می‌دود و محمود احمدی‌نژاد را سخت در آغوش می‌گیرد و در جملاتی اغراق شده خطاب به او می‌گوید: «آقای رئیس جمهور دوستت دارم. شما رئیس جمهور شجاعی هستید بدانید امروز چشم ۶ میلیارد انسان به شماست. آقای احمدی‌نژاد زمانی که رئیس جمهور شدید خیلی جوان بودید و اکنون کمی پیر شدید اما مرحبا بر شما.»

افتخاری چندی پس از این مراسم به عنوان چهره ماندگار موسیقی انتخاب شد.

در گرماگرم ثبت‌نام کاندید ریاست جمهوری دوره یازدهم در سال ۱۳۹۲ و در روز آخر ثبت‌نام در حالی که همه منتظر حضور چهره‌های نام‌آشنای سیاسی برای ثبت‌نام بودند، ناگهان عزت‌الله انتظامی به‌همراه اسفندیار رحیم مشائی و احمدی‌نژاد در ساختمان وزارت کشور حاضر شد و در حالی که میان آن دو نشسته بود عکس یادگاری گرفت. چندی بعد، پس از این‌که رحیم مشائی از سوی شورای نگهبان برای شرکت در انتخابات ردصلاحیت شد، انتظامی در نامه‌ای ادعا کرد که از برنامه تبلیغاتی مشائی خبر نداشته و صرفاً برای پیگیری امور تأسیس مرکز فرهنگی-هنری خود با رئیس‌دفتر احمدی‌نژاد همراه شده بود.



یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ۲۴ خرداد ۱۳۹۲ برگزار شد که ۸ نفر تأیید صلاحیت شدند و در نهایت غلامعلی حداد عادل و محمد رضا عارف به نفع دو نفر دیگر کنار کشیدند. سعید جلیلی، محمد باقر قالیباف، علی اکبر ولایتی، محسن رضائی، محمد غرضی و حسن روحانی نامزدهائی بودند که در این ماراثن شرکت کردند. مجید برزگر، کار ساخت مستند انتخاباتی محمدرضا عارف را بر عهده داشت که آن را بر پایه یک مصاحبه بلند با دو دوربین ساخت.

مستند اول محمدرضا عارف با عنوان در امتداد امید، با مروری بر کارنامه مدیریتی و مواضع عارف و نیز نشان دادن بخش‌هایی از زندگی خصوصی و نحوه تعامل وی با مردم ساخته شد.

برزگر گفت: در ابتدا قرار نبود که برای ساخت فلم‌های انتخاباتی پا به میدان بگذارم اما شخصیت متفاوت محمدرضا عارف و تفاوت نگاه وی نسبت به دیگر کاندیداها، شکل زندگی، منش و زندگی علمی وی و تعلق خاطر من به جریان اصلاحات سبب شد تا ساخت این فلم را برعهده بگیرم. وی توضیح داد: به عنوان یک هنرمند برای من بسیار مهم است تا حرف‌ها و بحث‌های دوران اصلاحات، دوباره در جامعه مطرح شود و همین مسأله کافی بود تا برای ساخت این فلم انتخاباتی ترغیب شوم.

چند ماه پس از انتخابات ریاست جمهوری دوره یازدهم که حسن روحانی به قدرت رسید، هومن سیدی در جشنواره فلم فجر پس از بردن جایزه برای فلم سیزده به روی سن رفت و جایزه خود را به روحانی تقدیم کرد. او در سخنان خود برای تقدیم کردن این جایزه گفت: «من می‌خواستم این جایزه رو تقدیم کنم به بزرگمردی که با اومدنش واقعا لبخند رو برگردونده. این‌که سینما رو دوست داره و فرهنگ رو. می‌دونم به این جایزه هیچ احتیاجی نداره، نه به لحاظ مالی و نه به لحاظ معنوی. اما با دلم می‌خوام این جایزه رو تقدیم کنم به جناب آقای رئیس جمهور حسن روحانی.»

فریبرز عرب‌نیا، بازیگر نقش‌هایی مانند مختار و چمران در برنامه هفت تلویزیون دولتی ایران حاضر شد و خود را انسانی فرهنگی نامید و گفت: «بازیگر بیش از هر چیز یک انسان فرهنگی‌ست. من خودم رو سرباز سیاست‌های جمهوری اسلامی نمی‌دونم، من خودم رو خادم و مهره‌ای فرهنگی برای خدمت به فرهنگ این مرز و بوم می‌دونم. به این معنا باید متوجه باشیم من وقتی از کلام مقام معظم رهبری مثال میارم، دارم از شخصیت فرهنگی ایشان استفاده می‌کنم. ایشان عالی‌ترین فردی در نظام اسلامی هستند که رهبری فرهنگی کشور رو در دست داره.»

اکنون مواضع برخی حامیان فرهنگی و هنری دولت که در بهار سال ۹۲ از روحانی حمایت کرده بودند، با دیدن چهار سال عملکرد فرهنگی دولت او، تغییر کرده است. به‌عنوان مثال منیژه حکمت، کارگردان سینما و از جمله هنرمندانی که نقش ستادی در هم‌راهسازی بخشی از هنرمندان به نفع روحانی در سال ۹۲ داشت؛ در مصاحبه‌ای که با هفته‌نامه صدا انجام داده، در پاسخ به این سؤال خبرنگار که می‌پرسد: «از زمان روی‌کارآمدن دولت روحانی تغییری احساس کرده‌اید؟» این‌گونه پاسخ می‌دهد: «من در این دوره ناامید شدم و متأسفم». وی همچنین در پاسخ به این سؤال که «اگر به سال ۹۲ برمی‌گشتید با توجه به شرایط الان، تومار حمایت از روحانی را امضا می‌کردید؟» می‌گوید: «نه! نمی‌کردم.»

او همچنین با انتقاد از دولت ابراز می‌دارد: «کسانی به من زنگ می‌زنند و می‌گویند تو گفتی به روحانی رای بدهیم. من دیگر سعی دارم هزینه ندهم و پاسخ‌گوی کسانی که در این وادی به من اعتماد کرده بودند، نشوم. این دولت با شعار قشنگی به اسم امید آمد، چه شده که امید اکثریت سینما ناامید شده است؟ من گاهی می‌شنوم چقدر دوره شمقدری خوب بود! این حرف خیلی دردناک است. این را صراحتاً اولین بار به شما می‌گویم، چون امضاها را کسانی که از

کاندیداهای سیاسی حمایت کرده‌اند هنوز هست؛ شما یک سرچ بکنید ببینید چه کسی کجاست. اصلا هم قائل به این نیستیم که چون من و پگاه اولین حمایت‌گران از این دولت بودیم گل سرسبدم! این‌طور نیست اما این اکثریت نامید خطرناک است و پوپولیسیم محصول چنین دورانی است.»

الوند، کارگردان فلم سینمایی «دست‌های آلوده» در گفتگو با سینماپرس افزود: زمانی که آقای روحانی به ریاست جمهوری رسیدند اهالی سینما انتظار داشتند تا مشکلات متعدد هنر هفتم برطرف شود اما متأسفانه طی تمامی سال‌های ریاست جمهوری ایشان هیچ اتفاق خاص و مثبتی در سینمای کشور نیفتاد و ما به این نتیجه رسیدیم که شاید ایشان مسائل و دغدغه‌های مهم‌تری از توجه و رسیدگی به حوزه فرهنگ و هنر و بالاخص سینما داشته‌اند.

الوند، سپس با تأکید بر این‌که مشکلات معیشتی، سیاسی، اقتصادی و... در تمامی کشورهای دنیا وجود دارد اما مقامات عالی‌رتبه همواره به حوزه فرهنگ و هنر توجه ویژه‌ای دارند اظهار داشت: مسأله سینما آن‌قدر در کشور ما دم دستی شده که هر شخص و نهادی اجازه دخالت کردن در امور آن را به خود می‌دهد؛ به عنوان مثال همین چند وقت قبل مدیرعامل انجمن اهدای عضو به خود اجازه دخالت در سینما را داد و گفت ما اگر از محتوای فلم «یک روز بخصوص» به کارگردانی همایون اسعدیان خبر داشتیم اصلا اجازه تولید و اکران آن را نمی‌دادیم؛ این نوع موارد برای سینمای ما بسیار درآورد است که هر شخص غیرمتخصصی به خود اجازه می‌دهد در امور آن دخالت کند و مدیران وزارت ارشاد و سازمان سینمایی هم جلوی آن‌ها نمی‌ایستند.

وی افزود: همه مردم به خوبی می‌دانند که در حوزه اهدای عضو دلایلی‌های زیادی صورت می‌گیرد و ما این مسأله را با پوست و گوشت و استخوان مان لمس کرده‌ایم؛ پس یک سینماگر موظف است این‌طور دغدغه‌های مهم اجتماعی را در آثار سینمایی به تصویر بکشد و هیچ شخص و نهادی هم نباید جرات اعتراض به یک فلم را داشته باشد. متأسفانه سینما در کشور ما به دلیل نبود یک مدیر راسخ و قدرتمند «هزار پدر» شده است!

کارگردان فلم سینمایی «این سیب هم برای تو» در بخش دیگری از این گفتگو تأکید کرد: «مسائل مهمی همچون پیگیری پرونده خطای پزشکی زنده یاد عباس کیارستمی به دلیل سهل‌انگاری مدیران سینمایی و فرهنگی کشور کلا به فراموشی سپرده شد؛ حمایت‌ها از جامعه سینمایی طی سال‌های اخیر به پائین‌ترین سطح ممکن رسید و بیکاری و خانه‌نشینی هنرمندان هم بیش از پیش خودنمایی کرد اما دریغ از آن‌که اندک قدم مثبتی برای رفع و حل کردن این مسائل و مشکلات برداشته شود.»



اقدامات تبلیغاتی دولت یازدهم در آستانه انتخابات در حالی این روزها به اوج خود رسیده است که تجربه چهار سال حضور این افراد در راس مدیریت فرهنگی کشور نشان داده که اساسا اراده‌ای برای تحقق این وعده‌های جذاب در دولت وجود نداشته و ندارد.

دولت یازدهم در حالی در سال ۹۲ با ریاست حسن روحانی روی کار آمد که یکی از مهم‌ترین بخش‌های مورد توجه در برنامه‌های تبلیغاتی آن توجه به اهالی فرهنگ و هنر بود. وعده‌هایی جذاب که حداقل در ظاهر امر نشانگر توجه و برنامه‌ریزی ویژه دولت برای اهالی فرهنگ و هنر بود. اما حالا با گذشت زمانی در حدود چهار سال از آن روزها می‌توان به وضوح، پوچ بودن آن وعده‌ها را اثبات کرد.

نکته جالب این ماجرا تکرار این ادعاها در سخنرانی‌ها و تبلیغات انتخاباتی مدیران این دولت در انتخابات پیش روست. وعده‌هایی با چاشنی حرکت‌های عوام‌فریبانه به دنبال نرم کردن دل هنرمندانی است که این روزها دل خوشی از روحانی و تیمش ندارند. (سینماپرس)

یکی دیگر از حرکت‌های تبلیغاتی دولت یازدهم در حوزه فرهنگ و هنر و در آستانه برگزاری انتخابات این دوره را می‌توان در میان صحبت‌های مطرح شده از سوی وزیر ارشاد امنیتی و تازه کار این دولت جستجو کرد.

علیرضا صالحی امیری که چندی پیش به واسطه بروز برخی حواشی ناگفته، جایگزین علی جنتی وزیر پیشین ارشاد شده بود در افتتاحیه سی‌امین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در حالی از آمادگی ارشاد برای واگذاری نمایشگاه به صنوف در سال بعد صحبت کرد که گویا در چهار سال اخیر هیچ‌گاه هم‌چنین فرصتی برای دولت یازدهم به وجود نیامده و حالا درست در آستانه انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم چنین فرصتی برای مدیران فرهنگی دولت تدبیر به وجود آمده است!

در تفاهم‌نامه‌ای که روز پیش میان وزیر ارشاد و مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی در محل تالار وحدت به امضاء رسید؛ اعلام شد که از این به بعد همه اهالی فرهنگ و هنر و رسانه که از بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی هستند می‌توانند بدون نوبت از خدمات بیمارستان میلاد که بزرگترین بیمارستان کشور است، بهره‌مند شوند.

اما این وعده انتخاباتی در حالی به اهالی فرهنگ داده شده که با توجه به درخواست‌های بالای مردمی برای استفاده از خدمات این بیمارستان، معمولا اغلب مردم باید مدت زمان زیادی را برای استفاده از خدمات این بیمارستان در نوبت بمانند و دادن اجازه استفاده بدون نوبت از خدمات آن در واقع ضایع کردن حقوق مردمی است که گاهی باید تا چند هفته در نوبت استفاده از یکی از خدمات این بیمارستان باشند.

با این تفاسیر تشخیص تبلیغاتی بودن این حرکت آن هم در فاصله کوتاهی تا برگزاری انتخابات کار چندان سختی نیست.

یکی از اصلی‌ترین مشکلات دولت یازدهم در عرصه فرهنگ و هنر، نداشتن برنامه مشخص در ارتباط با نگاه آن‌ها به هنر و اهالی فرهنگ بود؛ دولتی که به واسطه سیطره نگاه امنیتی در آن تقریبا همیشه با همه موضوعات با نگاهی امنیتی برخورد کرد.

اما با فرارسیدن دوره انتخابات، مدیران دولت یازدهم که بر پایگاه اجتماعی هنرمندان حساب ویژه‌ای باز کرده بودند با ارائه فهرستی ۱۴ تایی از وعده‌های جدید خود برای اجرا در حوزه فرهنگ در صورت پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم رونمایی کردند.



رستاخیز فلمی که مستقیماً با دستور وزیر ارشاد دولت روحانی توقیف شد

این وعده‌ها در حالی مطرح شده که سابقه عملکرد این دولت در چهار سال گذشته ثابت کرده که اساساً اراده‌ای برای تحقق وعده‌های دولت در حوزه فرهنگ وجود ندارد. برای نمونه در یکی از بندهای این فهرست تبلیغاتی آمده است: «جبران خسارت‌های وارده به صاحبان حقوق که به رغم مجوزهای قانونی دچار مشکل اجرا شده‌اند.»؛ موضوعی که مثال نقض آن در دولت یازدهم فلم سینمایی «رستاخیز» بود؛ اثری که با وجود داشتن مجوز رسمی وزارت ارشاد برای نمایش عمومی توسط شخص وزیر ارشاد وقت توقیف شد و حتی با تعیین میزان خسارت وارده به سازندگان از سوی دادگاه، باز هم مدیران ارشاد حاضر به پرداخت این خسارت به سازندگان این اثر نشدند. مرور همین چند مورد کافیست تا نشان دهد که مدیران فرهنگی حسن روحانی بیش‌تر از آن که به دنبال انجام کارهایی زیربنایی در حوزه فرهنگ باشند؛ می‌خواهند با دادن شعارهایی «جذاب» رای اهالی هنر را به سمت خود جلب کنند.

این‌ها تنها نمونه‌های کوچکی هستند، از رابطه هنرمندان ایرانی با دولت و به‌طور کلی سیستم حاکم بر جامعه ایران. رابطه‌ای که این روزها و به خصوص بعد از انتخابات سال ۹۶ تبدیل به رویه‌ای عادی شده است. اگر در دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، گروهی خاص از بازیگران و شاعران و نویسندگان و دیگر گروه‌های فرهنگی و هنری برای نزدیک شدن به دولت تلاش می‌کردند، در زمانه تدبیر و امید این تلاش به دست‌های دیگر از هنرمندان منتقل شده که پیش از این نقش منتقد و مخالف سیستم حاکم را بازی می‌کردند. افرادی که به خصوص در دولت اصول‌گرای قبلی ناچار تن به تیغ سانسور و حذف داده بودند در دولت فعلی می‌کوشند هرچه بیش‌تر به سیستم مدیریت سیاسی و فرهنگی کشور نزدیک شوند.

آن بخش از هنرمندان جامعه ما، که تبلیغ رای دادن می‌کنند اگر احتمالاً حافظه تاریخی خود را از دست داده‌اند لااقل به اقرارهای امروزی نامزدهای ریاست جمهوری حکومت را در باره حکومت‌شان توجه کنند که با صدای بلند از رسانه‌های حکومتی و حامیان آن‌ها در داخل و خارج کشور جار می‌زنند. حکومتی که در این سی و هشت سال، با همه عناصر و جناح‌هایش چوب حراج به ثروت‌های مادی و معنوی جامعه زده‌اند و از جمله میلیون‌ها جوان را ناامید و سرخورده و دچار انواع و اقسام بحران‌ها و آسیب‌های اجتماعی کرده‌اند.

به‌گفته بانک مرکزی، ۲۰۰ شخص حقوقی که زیر مجموعه گروه‌های فولادی، نفتی و صنایع خودروسازی هستند، بیش‌ترین تسهیلات بانکی را دریافت کرده است.

مقام‌های دولتی سال‌هاست که می‌گویند فهرست بدهکاران بانکی را به قوه قضائیه ارائه کرده‌اند، اما تاکنون گزارش دقیقی از روند اقدامات قوه قضائیه در این زمینه منتشر نشده است.

در این زمینه صادق لاریجانی رئیس دستگاه قضائی حکومت اسلامی ایران گفت که برخورد قضائی با کسانی که معوقات بانکی دارند، «معلوم نیست تنها کار صحیح ممکن باشد، چرا که بسیاری از افرادی که دارای معوقات بانکی هستند انسان‌های شریف و متدینی هستند، اما در اثر تلاطمات اقتصادی، دچار مشکلات زیادی شدند.»
بر اساس گزارش رسانه‌ها و سخنان برخی از مسؤولین، ۸۰ درصد بدهی‌های بانکی متعلق به ۵۰۰ نفر از بدهکاران است.

رئیس بانک مرکزی ایران در بهمن ماه ۹۵ خبر داده بود که میزان معوقات بانکی به ۱۰۵ هزار میلیارد تومان رسیده که نسبت به پایان سال گذشته ۱۵ هزار میلیارد تومان یعنی ۱۷ درصد افزایش یافته است.

در بودجه سال ۹۶ دولت روحانی، میزان درآمدهای مالیاتی ۱۱۳ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده است در حالی که در سال ۹۵، درآمدهای مالیاتی ۱۱۰ هزار میلیارد تومان بود که بخشی از آن هم محقق نشد.

با این حال در مناظره‌های زنده تلویزیونی کاندیداها گفته شد که ۹۶ درصد از مردم مالیات می‌پردازند و ۴ درصد دیگر نمی‌پردازند. البته معلوم نیست که این نسبت بر چه موازین علمی استوار است اما به‌نظر می‌رسد با توجه به گفته‌ها و گزارش‌ها این کارگران، کارمندان و بازنشستگان هستند که مالیات می‌پردازند و کارنل‌ها و بزرگ‌وابسته به نهادهای مذهبی مانند آستان قدس رضوی و نهادهای زیر نظر سپاه، بسیج، نیروهای انتظامی و...، بسیاری از بازاریان مالیات پرداخت نمی‌کنند. بنابراین، در حال حاضر فشار مالیاتی به دوش طبقات حقوق‌بگیر، آسیب‌پذیر و بخش مولد اقتصاد تحمیل شده است. به‌ویژه این که بخش مولد از دریافت یارانه انرژی هم محروم شده، در حالی که قیمت نهادهای تولید نیز تحت تأثیر افزایش قیمت‌های نسبی، اضافه شده است.

در سال ۱۳۹۴، پولیس آگاهی ناجا فرار مالیاتی چند مؤسسه را که در مجموع به ۴۸۰ میلیارد تومان می‌رسید اعلام کرد که در واقع این بخش کوچکی از فرار مالیاتی است. اما در این مورد نیز هیچ اقدام جدی قضائی صورت نگرفت.

در حال حاضر بر اساس اقرار و آمار مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تعدادی از دستگاه‌های وابسته به حاکمیت نظیر برخی سازمان‌ها و بنگاه‌ها از شفافیت لازم برخوردار نیستند.

گفته می‌شود؛ ۹۱۱ مؤسسه و شرکت دولتی، ۷۷۹ شرکت و نهاد عمومی، ۳۲ نهاد و مؤسسه غیر دولتی، ۵۹۵ مؤسسه و ۲۰ صندوق بازنشستگی و نیز ۱۲۳۶ شهرداری در ساختار دولت وجود دارند که به لحاظ مالیاتی فاقد شفافیت هستند.

همچنین برخی از نهادهای فرادولتی به اعتبار قدرت ناشی از رانت سیاسی پاسخگوی سازمان امور مالیاتی نیستند و دفاتر صوری ارائه می‌دهند که ناچار مورد پذیرش ممیزین واقع می‌شوند که این رویداد در تعارض با عدالت اجتماعی و اقتصادی است. در واقع ریشه این مسأله را باید در اقتصاد و صنعت دولتی که شالوده سیستم اقتصاد دولتی، نفتی و رانتی کشور که طی سی و هشت نهادینه شده، مورد بحث و بررسی قرار گیرد. در عین حال، همین ریشه‌های فساد است که دولت نیز فقر را در جامعه توزیع می‌کند و بخشی مردم را به صدقه گرفتن و وابسته به نهادهای مذهبی و دولتی واردار می‌سازد.

بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی بدون پرداخت مالیات به صورت آشکار انجام می‌شود. از جمله این فعالیت‌های اقتصادی، آستان قدس رضوی با هزاران میلیارد تومان گردش مالی سالیانه و نهادهای مشابه آن است که اکنون رئیسی از سوی خامنه‌ای به ریاست این نهاد مذهبی پول‌ساز انتصاب شده است.

ضمن آن که دولت بر واردات حدود ۲۰ تا ۲۵ میلیارد دلار کالا که به علت عدم پرداخت عوارض و سود بازرگانی قاچاق قلمداد می‌شود، کنترل و نظارتی ندارد.

نامزدهای ریاست جمهوری در مناظره های خود تمام سعی و کوشش خود را به کار می‌گیرند تا از خط قرمزهای حاکمیت عبور نکنند. اما در عین حال آن‌ها، تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری ایران به محلی برای افشای فساد اقتصادی هر یک از نامزدها تبدیل شده کرده‌اند. پس از افشاگری حامیان روحانی در باره «تجارت» فرزند قالیباف، حامیان شهردار تهران نیز اسناد فساد اقتصادی دختر وزیر آموزش و پرورش دولت روحانی را منتشر کردند.

فساد اقتصادی در ایران آن‌قدر عیان و عمیق است که دیگر کسی نمی‌تواند انکارش کند و هر یک از جناح‌ها و دستگاه‌ها دیگری را به «دست داشتن» و یا «کوتاهی» در مقابله با فساد متهم می‌کند.

حجم گسترده فساد اقتصادی، مقابله با این مسأله را به یکی از اصلی‌ترین شعارها و وعده‌های نامزدهای دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری تبدیل کرده است.

در همین راستا ستادهای تبلیغاتی هر یک از نامزدها در چند روز گذشته اسناد و مدرکی را که از «فعالیت اقتصادی غیرقانونی» و یا فساد اقتصادی دیگری دارد، رو کرده است.

محمدباقر قالیباف که هنوز هم به پرونده واگذارهای غیرقانونی املاک شهرداری تهران پاسخ نداده، در آغاز تبلیغات ریاست جمهوری با حمله سخنگوی ستاد انتخاباتی حسن روحانی روبرو شد و در مقابل این پرسش قرار گرفت که «الیاس قالیباف چه‌کار می‌کند»؟

فعالیت‌های اقتصادی الیاس فرزند محمدباقر قالیباف یکی از چند پرونده فساد مالی شهردار تهران و نزدیکانش است. فرزند شهردار تهران که دو سال پیش نیز خبر بازداشت کوتاه مدت او رسانه‌ای شد، در حال حاضر عضو هیئت مدیره «مؤسسه نوآوران آموزشی شمس‌الشموس» است که مالکیت مجموعه مدارس «مهر هشتم» از مجلل‌ترین مدارس غیرانتفاعی در تهران را در اختیار دارد.

شریک تجاری او اسحاق قالیباف (دیگر فرزند شهردار تهران)، محمدهادی رضوی (داماد محمد شریعتمداری معاون اجرایی دولت حسن روحانی) و چند تن دیگر هستند.

غلامرضا انصاری، عضو شورای شهر تهران در گفت‌وگو با ایلنا با اشاره به ۱۲ سال مدیریت قالیباف در شهرداری تهران گفت: «۷ هزار هکتار باغ‌های شمال شهر تهران در طی سال‌های مدیریت ایشان نابود شد و حدود ۶۰ هزار میلیارد بدهی روی دست شهرداری تهران ماند. قالیباف اموال، مستغلات و زمین‌هایی که می‌توانست، در شرایط بحرانی به مدد مدیریت شهری بیابند را از بین برد و پروژه‌های نمایشی با بودجه‌های فراقانونی به اجرا درآورد.»



قالیباف و پسرش

او افزود: پل صدر و پل نیایش قرار بود با ۸۰۰ میلیارد تومان تمام شود، ولی تا امروز ۷ هزار میلیارد تومان هزینه برداشته است و قطعاً با توجه به اینکه روی گسل فعال زلزله ساخته شده‌اند، تبعات بسیار بدی در آینده در پی خواهد داشت، در حالی که با همین بودجه می‌توانست؛ خط دو و سه مترو را تمام کند.

عضو شورای شهر تهران، با تأکید بر اینکه حساس‌ترین پست‌های شهرداری را در اختیار نیروهای بازنشسته نظامی قرار داده است، گفت: من تعجب می‌کنم که چه طور بازنشسته‌ها می‌توانند؛ مدیریت مدرن انجام دهند، اما افراد تحصیل‌کرده و متخصص مدیریت سنتی دارند؟

انصاری با اشاره به ادعای تولید برق از زباله گفت: «در ۱۲ سال مدیریت قالیباف بر شهرداری هیچ اقدام مثبتی در زمینه بازیافت زباله انجام نشده و این کارخانه برق نیز حتی ۲۰ درصد زباله تهران را پوشش نمی‌دهد و از تکنولوژی‌های عقب‌افتاده در آن استفاده شده که هیچ منفعتی برای شهر ندارد. اگر مدعی است؛ شهرداری از بازیافت زباله درآمد دارد، ارقام و عددها را اعلام کند و گزارشات مالی را به مردم ارائه دهد.»

این عضو شورای شهر تهران با اشاره به ساخت‌وسازهای بی‌رویه شهردار تهران به خصوص در شمال غرب و شمال شرق تهران گفت: «ایشان پول‌های بادآورده‌ای که از عوارض این ساختمان‌ها به دست آورده را خرج انجام پروژه‌های نمایشی می‌کند، در حالی که همین ساخت‌وسازهای بی‌رویه بودند که تصفیه هوا در تهران را با مشکل روبرو کرد و به ترافیک دامن زد. پل‌های طبقاتی و تونل‌هایی که ساخته و به آن‌ها افتخار می‌کند، در حقیقت همه بدون توجه به حمل و نقل و موارد ایمنی کافی خود به یک فاجعه ترافیکی تبدیل شده بطوریکه اکنون تهران فقط یک پارکینگ بزرگ است.»

او در ادامه افزود: قالیباف هرگز پاسخ درستی در شورا به سؤالات اعضا نداد و شاهد همین امر در مناظره نیز بودیم.

وی یادآور شد: برای مثال در حادثه پلاسکو در زمان وقوع حادثه، ایشان برای تبلیغات انتخاباتی به قم رفته بود و رئیس دفتر خود را به محل حادثه فرستاده بودند.

خبر «کشف پوشاک قاچاق در منزل دختر یک وزیر»، ستاد تبلیغاتی حسن روحانی و وزیر دادگستری را به پاسخ‌گویی سریع واداشت تا اسناد مربوط به پرداخت عوارض گمرکی این محموله را منتشر و از دولت رفع اتهام کنند. اما این اسناد که با عنوان دفاع از «پاکدستی دولت» منتشر شد، از شرکت خصوصی وزیر آموزش و پرورش برای واردات پوشاک از ایتالیا پرده برداشت.

فخرالدین دانش آشتیانی وزیر آموزش و پرورش دولت روحانی یکی از وارد کنندگان پوشاک ایتالیایی به ایران است.

محسنی اژه‌ای سخن‌گوی قوه قضائیه هم ۱۷ اردیبهشت جزئیات بیشتری از تخلف شرکت متعلق به دانش آشتیانی - وزیر آموزش و پرورش- را رسانه‌ای کرد تا خبرگزاری «تسنیم» هم اسناد مربوط به ثبت شرکت «آمیٹیس طراوت کودکی» و سهم بیش از ۵۰ درصد فخرالدین احمدی دانش‌آشتیانی و ضحی احمدی دانش‌آشتیانی را عمومی کند.

بر اساس اسناد منتشر شده، شرکت آقای وزیر و دخترش که تنها در یک فقره بیش از ۲۰۰ میلیون تومان پوشاک کودک از یک برند ایتالیایی خریداری و به ایران وارد کرده، برای انجام این معامله از کارت بازرگانی شرکت «راتین گستر طبرستان» که موضوع فعالیت آن تولید و نگهداری دیگ‌های بخار است، بهره برده است.

بر اساس اسناد منتشر شده، وزیر آموزش و پرورش و دخترش اقدام به «اجاره کارت بازرگانی» کرده‌اند، مسأله‌ای که در چند سال اخیر به یکی از «روزنه‌های اصلی فساد اقتصادی» و «مالیات گریزی» در ایران تبدیل شده است. حسین فریدون (برادر حسن روحانی) پس از فشار رسانه‌ها و اعلام تشکیل پرونده برای او در دستگاه قضائی، حضور کمتری در رسانه‌ها و فضای عمومی دارد. او که پیش‌تر در همه سفرهای داخلی و خارجی همراه حسن روحانی بود، اکنون در سفرهای تبلیغاتی رئیس دولت غایب است.

همچنین روحانی در اولین برنامه مناظره خود در خصوص تکمیل واحدهای مسکن مهر، ادعاهای به دور از واقعیت کرد. روحانی در بخشی از صحبت‌های خود راجع به تکمیل پروژه‌های مسکن مهر گفت: «مسکن مهر با همه اشکالاتی که داشت، این دولت خودش را متعهد دید که این پروژه را تکمیل کند! تقریباً تا پایان دولت یازدهم، مسکن مهر تکمیل می‌شود. البته به غیر از صد و چند هزار مسکن مهری که هیچ داوطلبی ندارد و این واحدها در یک جاهائی ساخته شده که کسی حاضر به خریدن آن‌ها نیست.»

این در حالی است که رسانه‌ها گزارش داده‌اند وضعیت زندگی متقاضیان مسکن مهر پردیس به‌دلیل عدم تحویل واحدهایشان با وجود تکمیل آورده حساب نامناسب است. حتی هستند متقاضیان مسکن مهری که ماه‌هاست اقساط تسهیلات واحدهای مسکن مهرشان را پرداخت کرده‌اند، اما رنگ خانه‌هایشان را ندیدند. زیرا که روند تکمیل واحدهای مسکن مهر به خصوص مسکن مهر در پردیس در دولت یازدهم متوقف شده است.



بنا به گزارش برخی رسانه‌ها، اگر روحانی فقط یکبار از پروژه‌های مسکن مهر پردیس بازدید می‌کرد و متقاضیانی را که مجبور هستند در پارکینگ‌های این ساختمان‌ها زندگی کنند را مشاهده می‌کرد، هیچگاه این اظهارات را به زبان نمی‌آورد.

در همین راستا، کانال مسکن مهر پردیس نظرسنجی‌ای را فراهم کرد و از متقاضیان مسکن مهر خواست تا در آن شرکت کنند. تا مشخص شود چند درصد از آن‌ها واحدهایشان را تحویل گرفته‌اند؟ در این نظرسنجی که ۱۵۱۳ متقاضی شرکت کرده‌اند، ۹۶ درصد آن‌ها واحدهایشان را تحویل نگرفته و فقط ۴ درصد آن‌ها اظهارات حسن روحانی را مبنی بر تحویل واحدهای مسکن مهر تأیید کرده‌اند! مهدی جهانگیری برادر اسحاق جهانگیری، شریک تجاری اسفندیار رحیم مشائی و حمیدرضا بقائی در شرکت سمگا به‌عنوان کارآفرین برتر معرفی شده است.

در غیاب او اما برادر اسحاق جهانگیری (معاون اول حسن روحانی) که دیگر رقبا را به افشاکاری تهدید می‌کند، مسأله‌ساز شده است. رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و یونان در دولت محمود احمدی‌نژاد برای یک دوره معاون اسفندیار رحیم مشائی در سازمان میراث فرهنگی بود.

او پس از برکناری از معاونت این سازمان در کنار حمیدرضا بقائی و اسفندیار رحیم مشائی «شرکت سرمایه‌گذاری گردشگری و میراث فرهنگی ایران - سگما» را تأسیس کرد که از آن به‌عنوان یکی از پرونده‌های فساد اقتصادی کلان در دولت احمدی‌نژاد نام برده می‌شود.

مهدی جهانگیری حالا به سؤال بی‌جواب برای برادر بزرگترش تبدیل شده که در همه برنامه‌های تبلیغاتی خود از فساد مالی گسترده در دولت گذشته سخن می‌گوید اما سخنی درباره مشارکت برادرش با «حلقه فساد» به زبان نیاورده است.

ابراهیم رئیسی از آن دسته از مسوولان حکومت اسلامی است که به واسطه «نقش امنیتی» همواره در امنیت رسانه‌ای به سر برده و اطلاعاتی درباره دارائی‌های شخصی و یا نقش او در شرکت‌های بی‌شمار خانوادگی و نهادهای خیریه پول‌ساز منتشر نشده است. او حالا اما مسؤولیت یکی از بزرگترین هلدینگ‌های اقتصادی حکومت اسلامی را در اختیار دارد که حاضر به پرداخت مالیات نیست.

البته که در همین دوره یک‌ساله حضور رئیسی در آستان قدس، مهدی عزیریان، مشاور او و معاون پیشین آستان با همکاری مرتضی بختیاری معاون فعلی این بنیاد مذهبی- اقتصادی از ایران گریخته است.

رئیسی که مالیات ستانی را یکی از وعده‌های انتخاباتی خود اعلام کرده، سال گذشته و در حالی که دولت و مجلس به دنبال تصویب اخذ مالیات از نهادهای خاص بودند، در نامه‌ای به رهبر حکومت اسلامی توانست آستان قدس را برای یک سال دیگر از پرداخت مالیات معاف کند.

او همچنین از دهه ۶۰ تا یک سال قبل یکی از مقام‌های دستگاه قضائی جمهوری اسلامی بوده که متهم به «فساد اقتصادی» در دوره‌های مختلف است و پرونده‌های فساد مالی و اختلاس آن بایگانی شده است.

رئیسی هنگامی که ۲۸ سال سن داشت در اعدام گسترده مخالفان سیاسی حکومت اسلامی ایران در دهه ۶۰ نقشی مستقیم داشت و به‌عنوان معاون وقت دادستان عضو کمیته تصمیم‌گیری اعدام‌های این دهه به‌ویژه سال ۱۳۶۷ بود.

مصطفی پورمحمدی وزیر دادگستری دولت روحانی یکی دیگر از اعضای این کمیته چهار نفره معروف به «کمیته مرگ» بود.

مصطفی میرسلیم اگرچه به ظاهر پرونده‌ای ندارد که رقبا افشاء کنند و برای همین هم دیگران را به «منع فعالیت اقتصادی وزرا» دعوت می‌کند، اما عضو جریانی است که تاکنون در برابر هرگونه اقدامی برای شفافیت اقتصادی مقاومت کرده است.

او عضو حزب مؤتلفه اسلامی است که بر بازار سنتی ایران سلطه دارد و در سه دهه گذشته اتاق بازرگانی را در اختیار داشته است. مؤتلفه هنگامی که اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده از بازاریان مطرح شد، در کنار بازاریان ایستاد و گلوگاه تجارت ایران با چین را در اختیار دارد.

مصطفی هاشمی طبا، نامزد این دوره از انتخابات ایران هم پیش‌تر عمرش را در سازمان ورزش و کمیته ملی المپیک گذرانده، دو نهادی که بحث در باره فساد مالی گسترده در آن‌ها همواره مطرح شده و بدون نتیجه به بایگانی سپرده شده است. هاشمی طبا البته در یک اظهار نظر گفته است که همه فساد مالی حوزه ورزش در دوره چهارساله اول دولت احمدی‌نژاد به وقوع پیوسته است.



پرونده سریالی مدیران بانکی و دو ابر بدهکار بانکی - مالمیری و رسول دانیال‌زاده - هنوز به سرانجام نرسیده است. اصول‌گرایان مالمیری و دانیال‌زاده را از حامیان مالی روحانی در انتخابات ۹۴ می‌دانند.

در انتخابات ۸۸، هم بابک زنجانی که به اتهام فساد اقتصادی به اعدام محکوم شده، نقش ویژه‌ای در تأمین منابع مالی دولت وقت داشته است. محمدرضا رحیمی معاون اول احمدی‌نژاد به توزیع پول و کمک مالی به ستادهای تبلیغاتی نمایندگان مجلس اعتراف کرده است.

پیش از آن شهرام جزایری که پس از یک دوره زندان دوباره آزاد شده است، به کمک مالی به نمایندگان مجلس، دولت و شخصیت‌های مذهبی و سیاسی درون حاکمیت اعتراف کرده است.

با همه این موارد اما دولت و مجلس برای تصویب و اجرای طرح شفافیت مالی منابع مالی نامزدهای انتخابات مجلس، شوراها و ریاست جمهوری اهمیتی نیم‌دهد زیرا خودشان نیز تا خرخره به فساد آلوده هستند و حامیان نامزدها در فضای عمومی نیز بیش از آن‌که به دنبال اصرار برای شفاف‌سازی منابع مالی و حامیان مالی نامزدها داشته باشند، تنها به کنایه و تکرار ادعای نامزدهای رقیب که هیچ یک محل تأمین هزینه‌های مالی خود را اعلام نمی‌کنند، مشغول‌ند.

برخی وب‌سایت‌های رقیب روحانی، به میزان حقوق دریافتی مدیران با «حقوق‌های نجومی» تأکید دارند. جنجال بر سر حقوق‌های نجومی در سال گذشته آغاز شد و انتقادات گسترده محافظه‌کاران علیه دولت حسن روحانی، رئیس‌جمهوری ایران را در پی داشت.

در سال ۱۳۹۵، اسنادی از فیش‌های حقوقی مدیران بیمه مرکزی و دریافت پاداش‌های چند میلیون تومانی اعضای هیئت بانک‌های رفاه، صادرات، ملت، سینا، خاورمیانه، اعضای هیئت عامل صندوق توسعه ملی و همچنین شرکت فرابورس و شرکت بورس انرژی منتشر شد.

در حالی که پیش از این، حسین فریدون، برادر رئیس‌جمهور ایران و همچنین برادر اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهوری در مرکز مناظره‌های تلویزیونی و رقابت‌های انتخاباتی دوازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری حضور داشتند، اینک نام صاحبه عبری، همسر حسن روحانی نیز به انتخابات کشیده شد.

روزنامه کیهان در سرمقاله ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۶ خود، با اشاره به سخنان حسن روحانی درباره این‌که رقبایش می‌خواهند در خیابان بین زن و مرد دیوار بکشند، نوشت: «کسی چنین ادعائی را می‌کند که همسران رقیبانش استاد دانشگاه هستند و در جامعه حضوری فعالانه دارند، اما همسر خودش خانه‌دار است.»

حسن روحانی در سخنرانی ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۶ خود، در همدان گفته بود: «آن‌ها در هشت سال ۸۶۰ هزار خانم را بیکار کردند اما در دولت یازدهم ۷۵۰ هزار بانو سرکار رفتند. اگر شما جوانان در خانه بنشینید، بدانید که در پیاده‌روهای ما هم دیوار خواهد بود. شما آن‌ها را نمی‌شناسید من آن‌ها را می‌شناسم. آن‌ها روزی در جلسه‌ای تصمیم گرفتند که در تهران و در پیاده‌رو دیوار بکشند. آن‌ها می‌خواستند پیاده‌رو زنانه و مردانه ایجاد کنند، همان‌طور که در محل کارشان بخشنامه تفکیک جنسیتی را ایجاد کردند.»

سرمقاله‌نویس کیهان در این‌باره نوشت: «ادعا می‌کنند رقیب ما می‌خواهد مثل دولت قبل زنان را در خانه زندانی کند و وسط خیابان‌ها و پیاده‌روها دیوار بکشد و دختران و پسران را از هم جدا کند؟! هرچند بیان چنین سخنانی از کم مایه بودن گوینده آن حکایت دارد و توهین به فهم و شعور مردم است، اما اولاً چرا نمی‌گویند که دوستان آن روز و حامیان امروز خود آن‌ها بودند که در دهه ۶۰ سنجاق و پونز را در پیشانی دختران فرو می‌کردند و این مقام معظم رهبری بود که آن زمان در مقابل آن‌ها ایستادند و جلو دیوار کشی در دانشگاه‌ها را گرفتند. ثانیاً کسی چنین ادعائی می‌کند که اکنون با سیاست‌های اقتصادی نادرستش و تعطیلی کارخانه‌ها نه تنها زنان، بلکه مردها را هم خانه‌نشین کرده است! ثالثاً کسی چنین ادعائی را می‌کند که همسران رقیبانش استاد دانشگاه هستند و در جامعه حضوری فعالانه دارند، اما همسر خودش خانه‌دار است.»

صاحبه عبری که از او با نام صاحبه روحانی نیز یاد می‌شود، دخترخاله و همسر حسن روحانی است او در سال ۱۳۳۳ در شهر سرخه استان سمنان به دنیا آمد و در سال ۱۳۴۷ با روحانی ازدواج کرد. به گزارش ایسنا، عبری خانه‌دار است و به فعالیت سیاسی و یا اجتماعی چندانی مشغول نیست.

در پی شکایت یک نماینده مجلس خبرگان ایران از حسن روحانی، رئیس‌جمهوری این کشور به دلیل تقلب در رساله دکتری و سرقت علمی رئیس‌جمهوری ایران از کتاب‌های این نماینده، کمیته‌ای برای بررسی این موضوع تشکیل در مجلس تشکیل شد.

به‌گزارش خبرگزاری تسنیم نزدیک به سپاه پاسداران، محمد مهدی زاهدی، رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس ایران از اصل شدن شکایت علی‌اکبر کلانتری، نماینده شیراز در مجلس خبرگان علیه حسن روحانی خبر داد. نماینده شیراز، رئیس‌جمهوری ایران را متهم کرده که در رساله دکتری خود، از کتاب‌های او سرقت کرده است. رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس افزود: «هفته آینده در کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس کمیته‌ای به همین منظور تشکیل می‌شود تا ضمن رسیدگی به این شکایت گزارشی را به کمیسیون ارائه کند.»

علی‌اکبر کلانتری پیش‌تر گفته بود: «من در تحقیقات اولیه و همچنین هنگامی که با برخی اساتید زبان همچون آقای جلال رحیمیان متن انگلیسی را بررسی کردیم، متوجه شدم درصد بالایی از فصل ۴ رساله علمی وی تحت عنوان «حکم ثانوی» کپی شده از کتاب بنده است. نام کتاب این حقیر «حکم ثانوی در تشریح اسلامی» است و اگر این رساله متعلق به آقای روحانی باشد این سرقت علمی صحت دارد.»

خبرگزاری تسنیم با استناد به آنچه «گزارش نهائی پروژه ارزیابی اصالت رساله دکتری حسن روحانی» نامید، گزارش کرد، علاوه بر علی‌اکبر کلانتری، ضیاء‌الدین سردار، نونل کالسون، حمید عنایت، وائل حلاق، سید ابوالاعلی مودودی، پاتریک بنرمن، هاشم کمالی، ویلیام مونتگومری وات از دیگر کسانی هستند که حسن روحانی از مطالب آنها در رساله دکتری خود استفاده کرده است.

روحانی در پاسخ به سؤال خبرنگاری درباره سرقت علمی تز دکتری، گفت: «تز دکترای من مربوط به یک دانشگاه معتبر است. زمین ندادیم تز بگیریم.»

غلامحسین محسنی اژه‌ای، معاون اول و سخن‌گوی قوه قضائیه، روز یکشنبه ۲۴ اردیبهشت، نسبت به سخنان حسن روحانی، در مورد صدور احکام اعدام و زندان در ۳۸ سال گذشته واکنش نشان داد.

او، همچنین اشاره کرد: «ما کمال تأسف را به حال برخی داریم که امروز برای رای جمع کردن حتی گذشته خود را فراموش کرده‌اند. فراموش کرده‌اند که یک روز می‌گفتند باید برخی از افراد در ملاء عام مجازات شوند.»

اژه‌ای به سخنان روحانی در سال ۵۹ در مورد «کودتای نوژه» است که اخیراً خبرگزاری‌هایی از جمله فارس آن را بازنشر کرده‌اند. طبق مطلب منتشر شده، حسن روحانی که در آن وقت نماینده مجلس بود در سخنرانی خود خواستار اعدام «توطئه‌گران» در ملاء عام شده بود.

روحانی روز ۱۸ اردیبهشت در جریان یک سخنرانی در شهر همدان گفته بود که در روز انتخابات، «مردم ایران اعلام می‌کنند آن‌هایی که در طول ۳۸ سال فقط اعدام و زندان بلد بودند را قبول ندارند.»

این سخنان می‌تواند به ابراهیم رئیسی، نامزد اصول‌گرای انتخابات ریاست جمهوری اشاره داشته باشد. رئیسی از سال‌های ابتدائی انقلاب ۵۷ عهده‌دار سمت‌های قضائی؛ از جمله دادستان کل کشور و معاون اول قوه قضائیه بوده است.

او همراه با تعدادی دیگر از جمله مصطفی پور محمدی، وزیر دادگستری دولت روحانی، از سوی آیت‌الله حسینعلی منتظری، قائم مقام وقت رهبری حکومت اسلامی، در سال ۶۷ به دلیل صدور احکام اعدام برای زندانیان سیاسی مورد انتقاد شدید قرار گرفته بود.

انتقاد روحانی در شرایطی ابراز شد که تاکنون خبر یا گزارش و یا نقل قولی در مورد مخالفت او با اعدام‌ها در سال‌های پس از پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ انتشار نیافته است.

روحانی در حال چنین ادعائی را کرده است که در دورز چهار سال اخیر ریاست جمهوری‌اش، پورمحمدی که او نیز مانند رئیسی عضو «تیم مرگ» بود چندین هزار را اعدام کرده اند و طبق آمار و گزارشات رسانه‌ها و فعالین حقوق بشر، رقم اعدام‌ها در دوره روحانی نسبت به دوره احمد نژاد تقریباً سه برابر شده است.

جالب است که در مقابل این حقوق‌های ۱۰۰ و ۲۰۰ میلیون تومانی مدیران دولتی، حقوق کارگران چهقدر است؟ حداقل دستمزد ماهانه ۹۳۰ هزار تومانی تعیین شده از سوی شورای عالی کار برای کارگران در سال ۱۳۹۶ «بین یک سوم تا یک چهارم میزان خط فقر» برآورد می‌شود. تازه این حقوق هیا بخور و نمیر نیز به موقع پرداخت نمی‌گردد.

کمیته مزد سال ۹۶ در اسفند سال گذشته اعلام کرده بود که سبد معیشت ماهانه یک خانواده سه و نیم نفره کارگری، دو میلیون و ۴۸۰ هزار تومان است.

این در شرایطی است که چند میلیون کارگر این حداقل دستمزد را نیز دریافت نمی‌کنند، زیرا در واحدهای کوچک با کمتر از ۱۰ کارگر کار می‌کنند که مشمول مقررات قانون کار، یعنی حداقل دستمزد، افزایش مزد و بیمه، نیستند. کارگرانی که به این وضع معترض هستند و یا برای آزادی بیان و تشکل و اعتصاب و اعتراض فعالیت می‌کنند، همواره با اردعاب و تهدید و زندانی روبرو هستند. در دوره اخیر، دولت با سرکوب مداوم فعالان کارگری و اعتراضات بر حق و عادلانه آنها، تلاش کرده است تا از اخراج فردی و جمعی کارگران معترض گرفته تا با صدور و اجرای حکم شلاق و زندان از اعتراض‌های کارگران در کارخانه‌ها و واحدهای مختلف جلوگیری کرده اما با این وجود، اعتراض‌های کارگران در سراسر ایران رشد و گسترش یافته است. میزان اعتراض‌های کارگری در سال ۹۵ در مقایسه با اعتراض‌های مشابه در سال ۹۴، حدود ۲۷ درصد افزایش نشان می‌دهد.

در همین ارتباط، حسین ذوالفقاری، معاون امنیتی و انتظامی وزارت کشور، روز ۲۱ آذر سال گذشته گفت که «اعتراض‌های اجتماعی، کارگری و صنفی در ایران طی سه سال اخیر افزایشی ۶۹ درصدی داشته است.» به این ترتیب، هیچ کدام وعده‌های روحانی از جمله رفع مشکلات اقتصادی، حمایت از افشار ضعیف، اشتغال‌زایی، بهبود وضعیت بهداشت و آموزش، احترام به حقوق زنان، کودکان، اقلیت‌ها، آزادی رسانه‌ها و... در چهار سال ریاست جمهوری تحقق نیافته است. وعده‌هایی که معمولاً در سخنرانی‌های انتخاباتی نقش پررنگ دارد اما بعدها در همان مرحله حرف و حدیث باقی می‌ماند.



حمله به ماشین روحانی توسط کارگران خشمگین معدن یورت آداشهر

حضور پرحاشیه روحانی در میان بازماندگان قربانیان معدن یورت گلستان که با اعتراض‌ها و شبه‌اعتراض‌هایی همراه بود به دستمایه تبلیغاتی رقبا بدل شده است. کارگران معدن یورت به ماشین روحانی حمله کرده بودند که برای رای گرفتن به این جا آمده است.

شمار قربانیان انفجار ۱۳ اردیبهشت در معدن «زمستان یورت» به ۴۴ تن رسیده و هنوز روشن نیست که چند جسد دیگر زیر آوار مانده است. انفجار یکبارہ زندگی ده‌ها کارگر را گرفت. یک کارگر معدن طرزه شاهرود می‌گوید:

«ما هر روز که میریم سر کار، امید برگشتن نداریم. استخراج در معدن یعنی این که هر روز بروی به جنگ.»
«نفس‌های سیاه» فلم مستند کوتاهی است که کار، مشکلات و زندگی کارگران در معدن را به تصویر کشیده است. کارگران از ۵ صبح تا ۹ شب کار می‌کنند. بعد حمام، غذا و خواب. دوباره از ۵ صبح روز بعد کار آغاز می‌شود. این کارگران قبلاً با ۱۵ سال سابقه بازنشسته می‌شدند، حالا با ۳۰ سال. کارگران در این مستند به ما می‌گویند که وقتی باید هر ماه به آن‌ها یک ماسک بدهند، هر دو سال یکی می‌دهند. وقتی هر روز باید دو کوپن غذا بگیرند، یکی

می‌گیرند. آن‌ها می‌گویند محل استراحت و خوابشان اتاق‌هایی است که حتی آب هم ندارد. و همه این‌ها در حالی است که از ترس اخراج اعتراض نمی‌کنند. «نفس‌های سیاه» بهار سال ۱۳۹۳ تولید شده و ساخته علی نیکبخت است. سومین و آخرین مناظره تلویزیونی دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران با موضوعات اقتصادی بود. اطلاعات کمیسیون انتخابات درباره بایدها و نبایدهای مناظره این بار هم قرائت شد اما این آخرین مناظره بود و نامزدها با توپ پر آمده بودند: فساد اقتصادی، پرونده‌سازی‌ها، رانت‌خواری، نهادهای قدرتمند نظامی ذی‌نفع در قاچاق کالا، حقوق‌های نجومی مدیران، وزیرای تاجر، سوء استفاده‌های بانکی، ۱۴۴ اسکله مربوط به از ما بهتران برای قاچاق کالا، مشت نمونه خروارند.

هیچیک از «مردان کاندیداها» وجود این پدیده‌ها را انکار نکرد فقط خود را میرا و دیگران را پاسخگو دانست. اسحاق جهانگیری در نقش مدیر برنامه‌ریزی برای اقتصاد مقاومتی، به موضع تهاجمی مناظره اول بازگشت. از سرو بستنی ۴۰۰ هزار تومانی با روکش طلا توسط شهردار تهران در برج میلاد گفت. رئیسی و قالیباف را در رابطه با قاچاق کالا مواخذه کرد و برای نداشتن برنامه اقتصادی زیر ضرب گرفت. و پاسخ میرسلیم که: آقای جهانگیری شما خودتان برنامه‌تان را بگوئید بعد از آقای رئیسی برنامه بخواهید. برنامه خود او، ادامه سیاست‌های ۴ سال گذشته بود.

روحانی هشدار داد برخی می‌خواهند ما را به دوران قبل برگردانند. اگر بتوانیم تولید را بالا ببریم، قاچاق از بین می‌رود. باید رقابت آزاد ایجاد کنیم. دولت الکترونیک، امنیت سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاری خارجی. ابراهیم رئیسی در روز نیمه شعبان از دولت مهدوی گفت که فقیر نواز است، از ضرورت دریافت مالیات توسط دولت گفت گرچه امپراطوری خود او از این امر مستثنا شده. او ابراز آمادگی کرد به نمایندگی از کارگران و کشاورزان و زنان سرپرست خانواده با روحانی مناظره کند.

و سردار قالیباف، شهردار تهران آدرس همه سوءاستفاده‌های دولتی را از بر می‌دانست. از حقوق‌های نجومی تا رانت‌خواری رئیس‌جمهور و معاون او. رانت‌خواری شخص رئیس‌جمهور و جهانگیری معاون او. در حین مناظره طرفداران کاندیداها در شبکه‌های مجازی به انتشار اسناد دست زدند تا طرف مقابل را افشا و خود را تبرئه کنند.

در پایان اما روشن شد که «کاندیداها» آن قدرها هم که در وهله اول به‌نظر می‌رسید از هم دور نیستند و در عین حال خط قرمزهای حاکمیت را رعایت کرده‌اند تا از سوی رهبر سیلی نخورند. رئیسی گفت یارانه‌ها را به ۱۵۰ هزار تومان می‌رساند. و روحانی پاسخ داد با توزیع یارانه‌ها مخالفتی ندارد. دولت او یارانه‌ها را ادامه خواهد داد اما نه به میزانی که رئیسی می‌گوید.

از روز اول فروردین تا امروز رهبر حکومت همه را فراخوانده بود به «اقتصاد و معیشت مردم» بپردازند و از مسائل دیگر بپرهیزند. اما گسل اصلی درست در همین نقطه ظاهر شد. راهی برای حل مشکلات اقتصادی و کاهش شکاف‌های اجتماعی ارائه نشد. تنها صدقه بود و شعار.

اسحاق جهانگیری: یکی از مهم‌ترین ضربه‌ها به تولید داخلی قاچاق کالا است. کسانی که این کار را می‌کنند می‌خواهند رانت کسب کنند و به تولید ضربه می‌زنند. در مقطعی مسایل کشور رفت سمت شعار دادن، قاچاق و فساد به همین دلیل افزایش پیدا کرد و اقتصاد داخلی به سمت فروپاشی و سیاست به سمت تنش دارند. نمایندگان همان تفکر امروز حضور دارند. مردم باید ببینند که چه قدر حرف‌های آن‌ها واقعی و چه قدر شعار است.

رئیس: وقتی وزیران و مسؤولان خود در کار تجارت دست دارند، برخورد با قاچاق ممکن نخواهد شد. در حالی که برخورد موثر با قاچاق کالا از راه کنترل کامل مبادی ورودی کاملاً ممکن است.

هاشمی‌طبا: از ۱۱۴ اسکله رسمی کالای قاچاق وارد می‌شود. چگونه است که عناصر و افرادی می‌توانند از اسکله‌های رسمی کالای قاچاق وارد کنند؟ از برادرانی که اطلاعات بهتر و دقیق دارند بگویند این ۱۱۴ اسکله برای کیست؟

قالیباف: وقتی بعضی اعضای دولت و مدیران، پایه‌گذار حقوق‌های نجومی می‌شوند، چطور می‌توان انتظار داشت که با قاچاق برخورد کنند؟ همین هفته گذشته دیدیم که یک وزیر فرهنگی در کار واردات کالا دست دارد. وقتی شما نمی‌توانید امنیت سپرده‌گذاران را تأمین کنید، چطور می‌خواهید سرمایه جذب کنند؟

میرسلیم: چرا در سال جاری ناگهان مسؤولان گمرک متوجه می‌شوند وسایلی برای جلوگیری از قاچاق وجود دارد؟ در این چهار سال خواب بودند که الان به این موضوع پی بردند؟ چه برنامه‌ای داشتید برای مبارزه با قاچاق؟ برای ردگیری مالی چه برنامه‌ای دارید؟ به این رقم ۱۲ میلیارد قاچاق چطور اعتماد می‌کنید؟

روحانی: اگر بتوانیم کیفیت تولید داخلی را بالا ببریم و بتوانیم ارزان تولید کنیم، قاچاق نخواهیم داشت. در دنیا قاچاق کالاهای معمولی دیگر معنا ندارد. برای فرصت دادن به تولید داخلی باید رقابت آزاد را برای بخش خصوصی فراهم کنیم و این با دخالت نهادهای بانفوذ ممکن نیست. نباید با رسانه‌هایی که در مورد فساد حرف می‌زنند برخورد کنیم. باید دولت الکترونیک درست کنیم تا همه چیز شفاف باشد و جلوی قاچاق گرفته شود.

جهانگیری: آقای قالیباف املاک مردم را چه کردید؟ طبق گزارش سازمان بازرسی املاک مردم را بخشیدید. به هیچ‌کس اجازه مداخله در مسأله ندادید. تخفیف نجومی دادید. دادستان گفت تا به حال به ۵۹ مورد رسیدگی کردیم. جلوی تحقیق و تفحص مجلس و شورای شهر را گرفتید. کسی را که افشا کرد گرفتید و زندانی کردید. می‌خواهید با روحیه نظامی‌گری پیش ببرید. اگر وزیری تخلف کرده رسیدگی می‌شود. از امنیت سپرده‌گذاری می‌گوئید؟ بانک قوامین و بانک شهر چه وضعی دارند؟ بانک سرمایه متعلق به شهرداری را به یک مفسد اقتصادی واگذار کردید. طرفدار ۴ درصد شدید؟ وقتی در سال ۹۱ مردم در تحریم گیر کردند شما در برج میلاد بستنی ۴۰۰ هزار تومنی برای چه کسی سرو می‌کردید؟

میرسلیم: استفاده بهینه از نفت به معنای این است که نفت خام نفروشیم. روشی که دولت فعلی دارد و به افزایش صادرات افتخار می‌کند، خلاف سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است و ما را بیشتر به خارج وابسته می‌کند. کاش دست‌کم می‌توانستیم پول حاصل از فروش نفت را وارد کنیم و مجبور نبودیم در بانک‌های خارجی نگه داریم. توسعه صادرات نیازمند مقررات ویژه گمرکی است.

روحانی: دولت افتخارش این است که با برجام بازار صادرات را باز کرد. پتروشیمی ما که در انبار مانده بود صادر شد. میعانات ما که روی آب مانده بود صادر شد. افزایش صادرات نفت خام طبق قانون بوده. بخشی از قدرت اقتصادی ما وابسته به نفت است. بازار نفت ما را عربستان داشت می‌برد اما ما تنها کشوری هستیم که برخلاف بقیه اعضای اوپک سهممان را افزایش دادیم.

جهانگیری: ما در جلوگیری از خام‌فروشی خیلی خوب عمل کردیم و در بسیاری جاها توانستیم کالاهایی تولید کنیم که جلوی خام‌فروشی تا حدی گرفته شود. برای اولین بار در این دولت صادرات غیرنفتی از واردات بیشتر شد. برای خام‌فروشی عوارض گذاشته‌ایم. برای کشورهای که کالاهای ایران را می‌خرند خط اعتباری ارزی تعیین کردیم و یک بسته حمایتی کامل از صادرات حمایت می‌کنیم.

رئیس: اگر پالایشگاه‌هایی در استان‌های مختلف ایجاد بشود جلوی خام‌فروشی گرفته می‌شود و نفت با ارزش افزوده به فروش می‌رسد. آنچه باید در این رابطه می‌شد انجام نشده است. برای کاهش وابستگی به نفت باید مالیات گرفت. پرونده فساد در دولت به وفور تولید می‌شود، اما از قوه قضائیه ایراد می‌گیرند. شما می‌توانید جلوی قاچاق را بگیرید اما به نظر ما عزم آن را ندارید. اخذ مالیات ارزش افزوده منجر شده به تعطیلی واحدهای تولیدی. دولت صبح تا شب تبدیل شده به محل پرونده تولید فساد و دستگاه قضائی باید رسیدگی کند.

هاشمی‌طبا: اگر بخواهیم صادرات را به معنای واقعی انجام دهیم، با توجه به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، باید بهترین کالاها را تولید کنیم.

قالیباف: خیلی پر رویند، خیلی جوسازند. اگر بانکی تخلف کرده با آن برخورد کنید. [به جهانگیری] از جمله با بانک گردشگری برادر خودتان برخورد کنید.

میرسلیم: مشکل اصلی صادر کردن مواد خام است. ما به جای اینکه مثل الان صادرات خود را به چند کشور محدود کنیم، باید آن را گسترش دهیم.

روحانی: قصدمان این است که بودجه عمرانی را با همکاری بانک‌ها افزایش دهیم. بانک‌ها نیاز به اصلاح دارند. برخی مؤسسات اعتباری غیر مجاز در دولت قبل به وجود آمدند که وقت ما را گرفت که چطور پول مردم را پس بدهیم و چطور اصلاح کنیم. از طریق بانک‌ها داریم سرمایه خارجی را جذب می‌کنیم. اگر می‌خواهیم قدرت اقتصادی بشویم و فقر ریشه‌کن شود یکی از راه‌های تقویت بانک‌هاست.

جهانگیری: باید نظام بانکی را اصلاح کنیم. در سال گذشته نظام بانکی در راه‌اندازی تولید و وام ازدواج مؤثر عمل کرد. اگر بتوانیم موانع جلوی راه نظام بانکی را برطرف کنیم این نظام می‌تواند راه توسعه را باز کند.

رئیس: می‌گوئید صادرات. صادرات غیرنفتی ۱۰ درصد کاهش داشته است. شما می‌عانات می‌برید در حساب نفتی. این آمارسازی است.

هاشمی‌طبا: در نظام بانکداری ما اصلاحاتی انجام شده، اما اصولاً بانکداری یک پدیده مدرن اروپائی است که ما آمده‌ایم عقود اسلامی را بر آن اضافه کرده‌ایم و هیچ‌کس، نه مدیران بانکی و نه مشتریان نمی‌دانند این‌ها چیست. اگر قرار است بانک به تولید و تجارت و صنعت کمک کند، باید شفاف باشد. بانک‌ها الان به مؤسسات بنگاهدان تبدیل شده‌اند. در نظام بانکی باید تجدیدنظر اساسی صورت گیرد.

قالیباف: بانک‌ها حتماً نقش تعیین‌کننده‌ای در بحث تولید و کار و اشتغال دارند. مشکل این است که دولت در اداره و نظارت بر بانک‌ها ناکارآمد است. بیش از ۵۰۰ هزار میلیارد تومان وام داده شد. عمدتاً این‌ها به چند هزار نفر داده شد. مردم حتی برای وام چند میلیونی مشکل دارند. دولت با وام ۱۰ میلیونی مخالفت کرد، مجلس این را تصویب کرد. امنیت سپرده‌گذاران را شما رعایت نکردید.

میرسلیم: نظام بانکی ما از نقاط ضعف دولت است. چه‌طور می‌خواهید با بدهکاران برخورد کنید در حالی که بخش قابل توجهی از آن‌ها نورچشمی‌های دولت هستند. بانکداری شما الان رباخوری است، کلاه شرعی درست کرده‌اند و به اعتراض مراجع هم توجه نمی‌کنید. با غارتگران منابع بانکی چه‌طور می‌خواهید برخورد کنید؟ بانک‌ها به آستانه ورشکستگی رسیده‌اند.

هاشمی‌طبا: ایران منابع مختلف خود را در اختیار ما گذاشت و ما آن را تخریب کردیم. بنابراین اولین تلاش در این زمینه مدرن کردن کشاورزی در جهت اصلاح سرزمینی ایران است و این از هر کار صنعتی مهم‌تر است. اما در

زمینه تولید در اقتصاد مقاومتی بر صادرات تأکید شده و باید تولید برای صادرات داشته باشیم. بعد هم باید سرمایه‌گذاری جذب کنیم و نظام بانکداری را اصلاح کنیم.

قالیباف: تولید بحث مهمی است. در تولید نیازمند نیروی انسانی کارآمد و تکنولوژی و سرمایه‌گذاری مناسب هستیم. امروز در بخش‌های مختلف نیروی مناسب و آموزش‌دیده داریم. سرمایه هم داریم، البته به سرمایه‌گذاری خارجی هم نیاز داریم. اما در عمل می‌بینیم بیکاری بیش‌تر شده و کارخانه‌ها چند ده هزارش تعطیل شده؟ روحانی: اگر می‌خواهیم تولیدمان رونق پیدا کند یک راهش سرمایه‌گذاری است و یکی هم فناوری است. ما روی شرکت‌های دانش‌بنیان عملکرد خوبی داشتیم و ۳۰۰ شرکت فعال هستند. با توافق هسته‌ای درآمد ما در این سال ۲۰ میلیارد دلار اضافه می‌شود. فروش ما تقریباً دو برابر شده است. ما می‌خواهیم ۱۵ میلیارد را بگذاریم برای سرمایه‌گذاری. راحل اشتغال این است.

۳ تا ۵ میلیارد هم برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر می‌گذاریم. می‌خواهیم به روستائی‌ها وام بدهیم. هر قدر پول بیاورند دو برابر را می‌دهیم تا بتوانند از آن برای تولید استفاده کنند.

جهانگیری: ما منابع را به سمت تولید بردیم. در سال ۹۵ ده میلیارد دلار در وزارت اقتصاد ثبت شده و ۳ میلیارد دلار جذب شده.

رئیس: ۲۵۰ هزار کارگاه تعطیل شده. در هر شهری می‌رویم مواجهیم با کارگرانی که بیکار شدند. خیلی‌ها مشکل‌شان کمبود نقدینگی است. دولت نقدینگی کم نداشته است، اما تسهیلات را به آدم‌های خاص بد حساب دادند. آیا مردم تا به حال شده است که وام بی‌بهره بگیرند؟ ۳۰۰ میلیارد تومان به یک نفر وام با بهره صفر داده‌اند. کشور ما قطب کشاورزی است. وقتی کسی اجازه واردات می‌گیرد، وقتی خودمان می‌توانیم تولید کنیم این چه اثری دارد.

هاشمی‌طبا: صنعت و کشاورزی در دنیای امروز و با فناوری جدید، ایجاد اشتغال نمی‌کند. ایجاد شغل درست از راه گسترش توریسم ممکن است. یکی از کارهایی که می‌توانیم انجام دهیم، صادرات خدمات مهندسی است. امروز شرکت‌های ایران دکل و سکوی گاز در خلیج فارس درست می‌کنند. شرکت‌های ما باید بدانند که نمی‌توانند تمام محصول خود را در ایران بفروشند. باید به بازار خارجی فکر کنند.

رئیس: ما قبلاً یارانه داشتیم اما افراد خاصی دریافت می‌کردند. با هدفمندی قرار شد همه از آن به شکل عادلانه بهره‌مند بشوند. این یارانه با فراز و فرودهایی دارد توزیع می‌شود. فقر بیش‌تر شده و از ۲۳ درصد به ۳۳ درصد رسیده است. باید زندگی کسانی را که فقط ۴۵ هزار تومان می‌گیرند می‌بینید. باید پولی که به این‌ها داده می‌شود را زیاد کرد. می‌گویند پولش از کجا باید بیاید. درست هم می‌گویند. در قانون هدفمندی منابع دیگر پیش‌بینی شده است. قانون هدفمندی بسته‌ای است که کامل باید اجرا شود. از جمله در بخش توجه به فقرا.

هاشمی‌طبا: ما ۴۵ هزار تومان در دولت قبل یارانه به هر نفر دادیم، قیمت میوه سه برابر شد و مسکن گران شد و سوخت گران شد و در واقع دوباره از جیب‌شان در آوردیم. الان هم اگر بخواهیم یارانه نقدی را دو یا سه برابر کنیم، به جای ۲۵۰ هزار تومانی که به آنها می‌دهیم، ۸۰۰ هزار تومان از جیب‌شان در می‌آوریم. نباید به‌خاطر جلب رای چنین حرف‌هایی زد.

قالیباف: باید کار تولید کنیم. می‌دانید کسانی که می‌خواهند کار تولید کنند مثل کارخانه دارها و سرمایه‌گذاران تحت فشارند از جانب قاچاق و واردات بی‌رویه. تاجران ما همه رفتند در حاشیه. چرا؟ چون ۴ درصدی‌ها تلاش دارند بیش‌ترین استفاده را از اموال عمومی ببرند.

روحانی: همان‌طور که در آن دولت پول پخش کردند می‌خواهند پول پخش کنند. یارانه سلامت و راه روستائی و... را می‌شود متوقف کرد برای پول پخش کردن. برنامه ما این است که این یارانه فعلی ادامه پیدا کند. منتها ما دنبال نظام جامع تأمین اجتماعی هستیم. این در برنامه دولت دوازدهم است. مستمری افراد کم درآمد را سه برابر کردیم. همه افرادی را هم که در آمدشان زیر خط فقر هستند بیایند ثبت نام کنند و حقوقی به آنها داده شود. باید به کسانی که فقیر هستند، کسانی که بیکار هستند رسیدگی شود.

جهانگیری: سرزده به خانه فقرا نروید که عکس و فلم بگیرید. مردم بدانند که پرداخت یارانه سه راه بیش‌تر ندارد: یا باید قیمت حامل‌های انرژی را گران کنند که بنزین ۸ هزار تومان می‌شود یا حقوق کارمندان دولت را کم کنند و یا از بانک مرکزی بگیرند که به تورم اضافه می‌کند. اگر هر کدام از اینها را انجام بدهند، اقتصاد کشور را نابود خواهد کرد.

جهانگیری: رشد اقتصادی یکی از مهم‌ترین هدف‌هاست. اگر کیک اقتصاد بزرگ‌تر باشد سهم همه مردم بیش‌تر می‌شود. یکی از سیاست‌های مهم برای این کار سیاست خارجی است. ۶۵ هزار میلیارد دلار باید سرمایه خارجی جذب شود.

رئییسی: رشد اقتصادی اعلام شده از سوی دولت ۷ درصد است که ۶ درصدش مربوط به نفت است. بیش از یک‌صد شرکت آماده خصوصی‌سازی بودند که تعداد آن‌ها کاهش پیدا کرد. رکود در کشور ما رکورد زده، چرا می‌گوئید از رکود عبور کرده‌ایم؟ حتماً با دیپلماسی عزتمندانه مسائل قابل حل است. با کشورهای همسایه می‌توانیم تجارت خوب داشته باشیم و به زندگی فقرا هم رسیدگی کنیم. اگر بخواهیم مشکل اشتغال حل شود، باید پیش‌رانه‌های اقتصاد مثل مسکن و کشاورزی را فعال کنیم و با قاچاق و واردات کالا مبارزه کنیم.

هاشمی‌طبا: توسعه غیر از سرمایه و کوشش راه دیگری ندارد. نمی‌شود رنگ و روغن بزینم به کشور. نمی‌شود بگوئیم مملکت الان واویلا است. فلم از مملکت خارج نمایش داده می‌شود می‌گوئیم این سیاه‌نمائی و ضد انقلاب است. از این تریبون بدترین سیاه‌نمائی‌ها شد. باید از همه چیزمان بزینم تا به توسعه برسیم، با فراخوانی و راحت‌طلبی نمی‌توانیم به توسعه برسیم.

قالیباف: مطمئن باشید ۵ میلیون شغل در دولت‌مان ایجاد خواهیم کرد که یک و نیم میلیون آن در مناطق محروم خواهد بود. حتماً با توجه به صنایع سنگین، نفت، پتروشیمی و توجه به صنایع پائین‌دستی و جلوگیری از خام‌فروشی این کار را خواهیم کرد. نقدینگی را برای راه انداختن کارگاه‌های تعطیل شده به کار خواهیم گرفت. بخش مسکن را رونق خواهیم داد و در حوزه‌های گردشگری و آیتی تعهد می‌کنم که رونق ایجاد کنم.

(به جهانگیری) شما در این شهر در شهرک غرب ۸۰۰ متر زمین گرفته‌اید به قیمت متری سه هزار تومان و همین‌طور زمین ۳۸۵ متری خریدید به قیمت متری ۱۴۰ هزار تومان. تا فساد جمع نشود مشکل حل نخواهد شد.

قالیباف: سند چشم‌انداز و برنامه ششم را برای کشاورزی دنبال می‌کنیم. در روستاها با تأکید بر کشاورزی، صنایع کوچک و صنایع خانگی راه می‌اندازیم. تا زمانی که با فساد و رانت مبارزه نشود، موفق به رسیدن به نقطه خودکفائی و صادرات نخواهیم شد.

رئییسی: امنیت کشور در گرو مبارزه با فساد است. دولت باید ساختارهای فسادزا را برطرف کند. زبینه نظام اداری ما نیست که هر روز یک مورد فساد آشکار شود. دوم به کار گرفتن مسئولان پاک و داشتن حساسیت به فساد است. ما در دولت کار و کرامت متعهدیم که جلوی فساد را بگیریم. اگر کسی فاسد است باید گوش او را گرفت و او را بیرون انداخت. با عزم و اراده راسخ می‌توان مشکل فساد را حل کرد.

هاشمی‌طبا: ما در خصوص مالیات باید افراد را مثل کشورهای اروپایی رصد کنیم و سیستم جامع مالیاتی را به کار بیندازیم. شرکت‌های تولیدی واقعاً مظلوم هستند. ما تولید صادراتی می‌خواهیم که باید برای آنها معافیت مالیاتی بگذاریم.

روحانی: (به رئیسی)؛ من با کسی عهد اخوت ندارم، هر کس تخلف کرده با او برخورد شود. شما اگر با فساد مخالف هستید، در فساد ۱۲ هزار میلیارد دلاری یک طرفش قاضی فاسد بود و یک طرف مسؤلی که الان در ستاد شماس است.

جهانگیری: زندگی من یک لکه ندارد. همچنین فرزندانم که بروند خیریه بزنند و بهشان منابعی بدهیم. (کنایه به خیریه همسر قالیباف) آقای قالیباف ملت گوششان از شعار پر است. برنامه دادن اما سخت است. صنعت خودرو پیچیده است، باید از ظرفیتی که تا الان شکل گرفته با برندهای معتبر دنیا مشارکت کنیم و تولید کنی.

میرسلیم: همکاری صنعت و دانشگاه برای رشد لازم است. این بر اساس تجربه خودم می‌گویم. دولت باید از اینها پشتیبانی کند اما متأسفانه دولت فعلی از این فرصت‌ها استفاده نکرد. کمکاری در این مورد به مهاجرت جوانان مستعد منجر شد.

هاشمی‌طبا: نباید برای رای آوردن خود را دوستدار بزرگ مردم معرفی کنید. چرا منابع یارانه سه برابر را اعلام نمی‌کنید؟ به جای پخش یارانه برای همه باید به اقتصاد مقاومتی، تولید برای صادرات و رفع مشکل نابودی ایران توجه کنیم. آب، جنگل، نفت در خدمت ما بوده و اگر به این ترتیب ادامه دهیم کشوری سترون خواهیم داشت.

قالیباف: آقای روحانی! می‌گوئید هر کس تخلف کرده با او برخورد کنند. شما که مطلع‌اید بستگان شما در حوزه‌های مالی اقتصادی و بانکی چه می‌کنند. برخورد نمی‌کنید چون خودتان هم از رانت استفاده می‌کنید. شما ۸۰۰ متر زمین را در سال هفتاد به قیمت ۳۰۰۰ تومان گرفتید. آقای جهانگیری بگوئید در سال ۸۰ بیش از ۳۰۰ متر زمین را به قیمت ۱۴۰ هزار تومان گرفتید. چرا نمی‌توانیم با وجود این همه منابع کشور را درست اداره کنیم؟ چون مدیریت نداریم و فساد اجازه نمی‌دهد. باید شجاعانه با فساد مبارزه کنیم و حق مردم را بدهیم.

میرسلیم: دولت یازدهم با ایجاد رکود تورم را کاهش داد که عین بی‌هنری است و کمر مردم و اقتصاد را شکست. ما برنامه فوری برای توسعه کشاورزی با توجه به بحران منابع آبی داریم. برنامه برای صنعت خودروسازی داریم. رسیدگی فوری به وضعیت کارکنان دولت و کارگران که قراردادی هستند، و توجه به روستائیان و عشایر از اولویت‌های ما است. تأمین مالی صنایع کوچک و متوسط هم.

روحانی: (به قالیباف)؛ اگر پرونده سال ۸۴ آقای قالیباف که دست من بود و نگذاشتم منتشر شود و گفتیم نباید دم انتخابات منتشر شود، اگر آن مردانگی را نمی‌کردم امروز اینطور حرف نمی‌زدید. شما که همیشه طرح‌ات لوله کردن بود و همیشه می‌گفتید من این دانشجویان را ظرف دو ساعت لوله می‌کنم. اگر جلوی شما را نمی‌گرفتم که امروز دانشگاه‌ها پر از لوله بود. شما نمی‌خواهد راجع به اموال و املاک مردم صحبت کنید. شما بهتر است درباره زمین‌های طرقله هم توضیحاتی می‌دادید. ما که اموالمان را اعلام کردیم و شما هم باید طبق قانون به قوه قضائیه اعلام می‌کردید. این کار را نکردید و امروز این‌جا ریاکاری می‌کنید.

(به رئیسی)؛ خواهش می‌کنم امام رضا را برای مردم بگذارید و آن را جناحی و حزبی نکنید. اگر می‌خواهید نبات و پارچه سبز برای روستاها بفرستید بگذارید بعد از انتخابات.

جهانگیری: جنگ طلبها در دنیا قدرت گرفته‌اند. باید خطر جنگ را از ایران دور کنیم. ما وقت آزمون و خطا نداریم. آقای قالیباف شما ۱۲ سال شهردار بودید. مردم امروز از وضع ترافیک، محیط زیست و... راضی‌تر هستند؟ شما در سال ۹۲ در تهران فقط ۷۰۰ هزار رای آوردید. برنامه داریم برای ایجاد ۹۶۰ هزار شغل مطمئن. رئیسی: اگر جلوی فرار مالیاتی گرفته شود، اگر جلوی قاچاق کالا توسط دولتمردان گرفته شود، اگر جلوی دست‌اندازی افراد خاص به منابع بانکی گرفته شود حتما می‌توان وضعیت دهک‌های پائین را بهتر کرد. (به روحانی)؛ معاون اول و دادستان کل در دفتر شما آمدند و صحبت کردند و به شما اسناد و مدارک را دادند که نزدیک‌ترین بستگان شما دچار مسائل میلیونی هستند، اگر من جای شما بودم می‌گفتم برخورد کنید، اما گفتید الان برخورد نشود و تشکیک کردید.

آزادی مدنی برای مردم وظیفه هر دولتی است. مگر شما آقای روحانی حق استفاده از زبان کردی را به کردها دادید؟ خدا و قانون اساسی این حقوق را داده است.

شایان ذکر است که دو روز پیش از مناظره سوم، خامنه‌ای به «آقایان کاندیداها» هشدار داد «گسل‌های اعتقادی، جغرافیایی، زبانی و قومی» کشور را تحریک نکنند و گر نه سیلی می‌خورند. مناظره امروز درباره مسائل اقتصادی بود و کاری به گسل‌های مورد هراس رهبر نداشت. «آقایان کاندیداها» تا آنجا که قدرت داشتند، معضلات اقتصادی را برشمردند. اما هیچ‌یک جز ترجیع‌بند «اقتصاد مقاومتی» برنامه‌ای برای پرشدن این گسل‌ها ارائه نداد. مناظره امروز فرصتی بود تا شش دولتمرد سیستم سرکوب و فساد عمیق دستگاه را برملا سازند، آن هم به بهانه رو کردن دست حریف.

وقتی هر شش کاندیدا که در این سی و هشت سال، دارای مسؤلیت‌های مهم به‌ویژه امنیتی - پولیسی در حکومت اسلامی بوده‌اند همدیگر را دزد و غارتگر و چپاولگر و قاتل و جنایت‌کار و پر رو و دروغ‌گو و لات و... خطاب می‌کنند و هیچ‌یک جرئت نمی‌کند بگوید که مسؤول کنترل قاچاق دولت نیست همان‌هایی هستند که مرزها را در اختیار دارند و هیچ کالای قاچاقی از زیر دست کارکنان گمرک دولت همین‌طوری بدون وجود آقازاده‌ها و پاسدارها و بیت رهبری و انواع ارگان‌های امنیتی و... رد نمی‌شود خوب چیزی جز فحاشی به یکدیگر ندارند و تازه بی‌شمرانه از آفرینش شغل و حقوق مردم هم سخن می‌گویند در حالی که الفبای زبان انسانی را غیر از چماق‌داری و چاقو‌کشی و گردن‌کشی نمی‌فهمند. دولتی که تنها ظرفیت جذب سرمایه‌اش سه میلیارد دالر باشد خوب کاملاً مشخص است که نمی‌تواند بیکاری را حل کند. تازه این همان دولتی‌ست که خودش را بهتر از دیگران می‌داند البته در بین جانی‌ها، دولت روحانی کم ندارد نه خودش و نه رئیس دادگستری‌اش پورمحمدی و وزیر کارش ربیعی و...

رابطه گورخوابی، کارتن‌خوابی، تن‌فروشی، کلیه فروشی، قرینه چشم فروشی، اعتیاد، خودکشی، محرومیت کودکان خانواده‌های کارگری و محروم از تحصیل و درمان و بهداشت، حاشیه‌نشینی، بی‌کاری و گرانی و تورم، همه این‌ها با دولت حقوق ۵۷ میلیونی یک مدیر را «درست و قانونی» و صاحب حقوق را «ذخیره انقلاب» و... ارتباط مستقیم دارند. اما به مردم توضیح نمی‌دهد که چگونه می‌تواند هم از حقوق‌های نجومی راضی و هم از گورخوابی ناراضی باشد؟!

دولت چرا روحانی در جواب به نامه اصغر فرهادی درباره گورخوابی، از مردم می‌خواهد کمک کنند اما چگونه سخنگو و وزیران مربوطه این حقوق‌ها را «قانونی» و «صحیح» و «از شیر مادر حلال‌تر» و محدود به چهار نفر می‌دانند و به آن راضی و خشنودند اما در همین حال از کارتن‌خوابی ناراضی‌اند؟!

عده‌ای در قبرستان نصیرآباد شهریار، شب‌ها را از فرط سرما در گورهای آماده می‌خوابند. آن‌ها معتادند و سرپناهی ندارند. به هر حال هم حکومت اسلامی ایران، مسوول این نوع پدیده‌ها و فجایع انسانی هستند. قوه قضائیه حکومت اسلامی هر روز معتادان در مانده را بالای دار می‌برد اما سازمان‌دهی کلان مواد مخدر در ایران، در دست «خودی»ها و به‌خصوص سپاه پاسداران است.

با این وجود، متأسفانه این دوره برخی نویسندگان و هنرمندان ایرانی در داخل کشور می‌کوشند هرچه بیش‌تر در صحنه عمومی خود را به دولت و سیستم حاکمه نزدیک کنند. قشر نزدیک‌تر به اصول‌گرایان مدح رهبر را می‌گویند و جمع نزدیک‌تر به اصلاح‌طلبان ابائی از دانشمندان حسن روحانی ندارند.

در خارج کشور هم کم نیستند روشنفکران و هنرمندانی که در پز و لباس اپوزیسیون چنین شیوه‌هایی را در نزدیکی به برخی سازمان‌های راست و دولت‌ها در پیش گرفته‌اند.



از جمله مسایلی که ریشه‌های عمیق با انسانیت انسان دارد، فرهنگ است. فرهنگ هر مفهومی که داشته باشد واژه‌ای است که بیانگر تفاوت انسان‌ها از سایر موجودات و در همان حال جداکننده انسان‌ها از یکدیگر و به هم پیوند دهنده آن‌ها است

تفاوتی که فرهنگ با دیگر پدیده‌های اجتماعی دارد آن است که نخست؛ فرهنگ دارای مفهومی مشخص و معین نیست، دوم؛ فرهنگ دارای دو جنبه مادی و معنوی است. و سوم؛ فرهنگ امر ذاتی انسان‌ها است و در ارتباط با همه انسان‌ها است و توانایی دولت در برخورد با ذاتی انسان محدود است.

یکی از نقش‌هایی که فرهنگ در جامعه ایفا می‌کند هویت بخشی به افراد و جامعه است. یکی دیگر از نقش‌های فرهنگ، توانایی آن جهت حضور در دیگر جنبه‌ها و حوزه‌های اجتماع است که باعث ایجاد رفتارهایی خاص در حوزه‌های مختلف می‌شود. چنان‌که فرهنگ می‌تواند در اقتصاد، سیاست و اجتماع با ایجاد فرهنگ اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است.

در نگاه اسلام دولت و حاکمیت از جایگاه خاصی در اجتماع برخوردار است. چنان‌که در آیات و روایات مختلف با تاکید بر حرکت جمعی ضرورت تبعیت از رهبر را مورد توجه قرار می‌دهد. همچنین در دیدگاه اسلامی جایگاه فرد و حقوق و آزادی‌هایش باید در خدمت ایدئولوژی اسلامی باشد. این دیدگاه به خصوص در دیدگاه روحانیون معاصر

همچون خمینی، مطهری، خامنه‌ای و...، در مورد دخالت تام دولت در امور اجتماعی انسان و زندگی خصوصی شهروندان، با اعتقاد بر «هدایت عامه نبوی» مورد توجه است.

خامنه‌ای نیز به‌عنوان رهبر حکومت اسلامی ایران، در مورد نقش دولت در عرصه فرهنگ و هنر نیز رویکردی عملگرایانه دارد. ایشان در سخنرانی خود در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در ۲۱ دی ماه ۱۳۸۲ در این خصوص گفته‌اند: «نه می‌شود فرهنگ را در جامعه رها کرد که هر چه پیش آمد، پیش بیاید، نه می‌شود آن طور سخت‌گیری‌های غلطی را که نه ممکن است نه مفید، الگو قرار داد». در جای دیگری نیز او به صورت عینی‌تر و ملموس‌تری گفته‌اند: «نمی‌شود گفت دولت به ایمان مردم کاری ندارد؛ نه مدتی این فکر را ترویج کردند؛ اما این غلط است. دولت وظیفه دارد. چه‌طور وزارت بهداشت با دارو و فروش‌های مصنوعی ناصر خسرو مبارزه می‌کند. اما وزارت ارشاد با مخدر فروش‌های فرهنگی مبارزه نکند؟ با سم پراکنان فرهنگی مبارزه نکند؟ این وظیفه دولت است.»

ریشه و پیدایش این دیدگاه را باید در فلسفه حاکمیت سرمایه‌داری جست‌وجو کرد. با دگرگونی‌های به وجود آمده در اقتصاد و بحران‌هایی که در حوزه اقتصاد در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم ایجاد شد، کارایی دولت در اداره امور مختلف اجتماع با چالش روبه‌رو شد. از دهه ۱۹۸۰، با مطرح شدن خصوصی‌سازی یعنی واگذاری امور از نهاد دولت به بخش خصوصی، در برخی از کشورها وارد مرحله تازه‌تری شد. واحدهای بزرگ و متوسطی که در اختیار دولت‌ها بود با انگیزه افزایش کارایی اقتصادی و با برنامه‌های خاص به سرمایه‌داران منتقل شد. در نیمه دوم دهه هشتاد با تحولات سیاسی - اجتماعی که با اضمحلال سوئالیسم موجود در کشورهای اروپای شرقی و شوروی سابق پدید آمد، زمینه بروز این موضوع تشدید و به صورت یک روند تحولات عمده جهانی مطرح شد. به گونه‌ای که اگر در کشوری خصوصی‌سازی به‌عنوان یک امر ضروری واقعیت نداشت، برای همراهی با قافله جهانی با تأیید بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و غیره برای پذیرش برنامه‌های اقتصادی آن کشور، در دستور کار دولت‌ها قرار می‌گرفت.

در تحلیل این دیدگاه، توجه به اصل کلی و فراگیری که حاکم بر ساختار حکومتی جهان غرب است ضروری خواهد بود. اصولاً ساختار سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نظام‌های غربی بر پایه اصالت سرمایه سامان یافته و برنامه رشد و توسعه این دسته از کشورها در تمامی ابعاد از جمله در حوزه فرهنگ براساس قوانین و ابزارهای تضمین‌کننده سود سرمایه تنظیم می‌شود. در حقیقت، قوانین توسعه سرمایه است که چارچوب دخالت دولت را در حوزه امور فرهنگی مشخص می‌سازد.

در چنین سیستمی با توجه به جایگاه خاص شرکت‌های بزرگ اقتصادی و چند ملیتی و نقش و هویت تبعی دولت‌ها در قبال آن‌ها، در بعد فرهنگی و توسعه اندیشه و ساخت و ساز علوم نیز همچون بعد اقتصادی، دولت به صورت واسطه عمل می‌کند.

از این رو، دولت و کل حاکمیت در امور فرهنگی دخالت می‌کنند تا مقصود و استراتژی اصلی خود را، یعنی تحقق ایده‌ها و برنامه‌های حکومتی بوده نه آنچه که در جامعه به عنوان فرهنگ مردمی جریان دارد. جامعه در دیدگاه به هیچ انگاشته می‌شود و استراتژی‌های فرهنگی باورها و اعتقادات خود را به جای نگرش‌های توده‌های مردم به جامعه تحمیل می‌کنند. در این دیدگاه، توسعه فرهنگی بیش‌تر جنبه توسعه ابزاری دارد. بدین مضمون که توسعه‌ای که مشاهده می‌شود بیش‌تر در توسعه ابزارهای فرهنگی است که در خدمت اهداف حکومت‌اند. در واقع در این باور،

دولت‌ها به جای تعمیق نگرش‌ها و توسعه اندیشه‌های فرهنگی به رو بناها توجه دارند و از آن به مثابه ابزاری در خدمت خود بهره می‌گیرند.

این دیدگاه، به‌خصوص در نزد گرایش‌های راست و محافظکار، فاشیستی، ملی‌گرائی، ملیت‌پرستی و مذهبی که بر پایه‌های ایدئولوژیک مبتنی است، به دولت به عنوان مرکزیت و محور نظام اجتماعی نگاه می‌کند. در این دیدگاه دولت به‌عنوان بزرگترین نهاد در نظام موازنه اجتماعی مسؤلیت سرپرستی و تکامل ساختارهای اجتماعی و فرهنگی را برعهده دارد. به همین دلیل، اصولاً برنامه‌ریزی‌های فرهنگی نه تنها جدا و مستقل از تأثیرات دولت نیستند، بلکه به دلیل جایگاه خاص آن به‌عنوان متولی و هدایت‌کننده جامعه، حوزه فرهنگ و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی به نحو گسترده‌ای تحت تأثیر این نهاد اجتماعی قرار دارد. از این‌رو، وظیفه سیاست‌گذاری کلان فرهنگی به نحو متمرکز بر عهده دولت است و هنرمند هم باید در خدمت این اهداف قرار گیرد.

اصلی‌ترین و بنیادی‌ترین امر در عرصه فرهنگ این است که فرهنگ ذاتی انسان‌هاست و با انسان‌هاست که فرهنگ معنا پیدا می‌کند از همین‌رو است که باید توجه داشت در ذات، امکان دست‌کاری و دخل و تصرف نیست به بیان دیگر باید صریحاً گفت که دولت حق دخالت در زندگی افراد و فرهنگ آن‌ها ندارد. از همین‌رو است که همه اندیشمندان و بزرگان عرصه فرهنگ، دولت‌ها را از دخالت در محتوای فرهنگ بر حذر کرده‌اند.

در همین زمینه باید به این امر تأکید که «نقش دولت و حاکمیت، آفرینش فرهنگ نیست و به‌طور خلاصه باید گفت که دولت‌ها نمی‌توانند در محتوای فرهنگ، در آفرینش فرهنگی و آزادی بیان و عقیده و تشکل هنرمندان و آفرینندگان فرهنگی و اجتماعی دخالت کنند یا آن‌ها را محدود و یا سانسور و سرکوب سازند. نهادهای مختلف فرهنگی، هنری، سیاسی و اجتماعی، باید مستقل از دولت خود را سازمان‌دهی کنند و در فضایی آزاد و برابر و دموکراتیک فعالیت‌های خود را سازمان دهند و خود نیز مجری آن باشند و وجود دولت را همواره زائد و انگلی اعلام کنند.

حوزه فرهنگ اگرچه حوزه‌ای است که شناخت آن به آسانی میسر نیست و می‌توان گفت که عرصه‌ای است که همه عرصه‌های دیگر اجتماعی با آن ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم دارند. از این‌رو، دولت به‌عنوان نماینده تمام مردم در هیچ جای دنیا نیست. به‌خصوص دولت با اتکا به قدرت، نیرو انتظامی، مخفی‌علنی و ارتش و همچنین قوه قضائیه و قانون‌گذاری و مجریه و غیره، اهداف و نظم و انضباط امور خود را از بالا و بدون دخالت مردم، به کل شهروندان جامعه تحمیل می‌کند. در حالی که هر دو جهان امروز دولت تنها و تنها حافظ سرمایه و منافع سرمایه‌داران و قدرت و حاکمیت خودش است مهم‌ترین ابزار سرکوب مردم است. پس باید با تمام قدرت با امر «ملت - دولت» مخالفت ورزید و بر سازمان‌یابی شورائی و شعور جمعی و دموکراسی مستقیم تأکید ورزید و در این راستا گام‌های جدی عملی برداشت.

پویائی جامعه در همخ عرصه‌های امنیتی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، هنری و فرهنگی، بدون دولت هم انسانی و هم امکان‌پذیر و هم برای جامعه از هر نظر با صرفه است و به انگلی وسیع و گسترده و بزرگ به نام دستگاه «حاکمیت و دولت»، نباید اجازه داد سرمایه‌ها و ارزش‌های انسانی و فرهنگی یک جامعه را فدای خود و در بهترین حالت اقلیتی سرمایه‌دار کند.

واقعیت این است که دولت‌ها با حضور در عرصه‌های مختلف نظامی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی، کنترل محیط زیست و مشارکت‌های فرهنگی، به معنای واقعی زمینه‌های رشد فرهنگ برابری‌طلبانه و آزادی‌خواهانه و عدالت‌جویانه را شدیداً تخریب کرده‌اند. از این‌رو، با تفرقه، رقابت‌ها و کشمکش ملی و مذهبی، جنگ‌های داخلی و

فرامرزی خود، زیست و زندگی بشریت را در معرض انواع و اقسام خطرات از جمله تروریسم دولتی و غیردولتی قرار داده اند.

سران حکومت اسلامی، حاضر به توضیح نیستند که چرا این همه فقر به وجود آمده و شکاف طبقاتی در جامعه عمیق‌تر شده است؟ حدود ۱۰ میلیون تا ۱۶ میلیون حاشیه‌نشینی که اذعان می‌کنند در کشور وجود دارد و بر چیزی حدود ۸ تا ۱۰ میلیون نفر بیکار تأکید دارند نشان می‌دهد استراتژی تاکنون حکومت اسلامی بر مبنای رشد و گسترش سیستم سرمایه‌داری و کسب سود بیش‌تر توسط دولت و سرمایه‌داران با تحمیل فشارهای اقتصادی بر کارگران و پرداخت دست‌کم چهار برابر کم‌تر دستمزد به آنان و عدم پرداخت این دستمزد ناچیز، هم شکاف طبقاتی را عمیق‌تر کرده و هم آسیب‌های اجتماعی را در جامعه به مرحله خطرناکی رسانده است. بنابراین، استراتژی اقتصادی و سیاسی و فرهنگی تاکنونی حکومت اسلامی، طبقاتی و تبعیض‌آلود و نابرابر و غیرانسانی بوده است.

به‌عبارت دیگر، مردم ایران تاکنون سرنوشت خود و آینده جامعه را به‌کلی به حاکمیت واگذار کرده‌اند و هیچ اراده‌ای از خود ندارند. این وضعیت موقعیت ممتازی به حاکمیت ایران داده است که در کنار درآمدهای سرشار نفتی و غیرنفتی، نه تنها توجهی به وضعیت زیست و زندگی و جان مردم ایران به‌ویژه مزدبگیران نداشته باشد و همچنان بر سرکوب و سانسور، زندان و اعدام و تحمیل فقر و فلاکت اقتصادی روزافزون بر اکثریت مردم ایران، بلکه دست به ماجراجویی‌های تروریستی و جنگ‌طلبانه نیز با مانورهای نظامی، دخالت در امور دیگر کشورها مانند سوریه، لبنان، یمن، عراق، افغانستان، و... بزند و ثروت‌های جامعه را که باید به امور اشتغال و رفاه و خدمات عمومی جامعه اختصاص دهد به میلیتاریسم و تروریسم اختصاص داده است. البته این سیاست در جهان امروز کمابیش سیاست‌های حکومت سرمایه‌داری است اما در این میان، سیاست‌های حکومتی اسلامی در داخل و در منطقه استثناهای زیادی دارد.

در مجموع باید گفت دولت بزرگترین سازمان و نهاد اجتماعی، جز ابزار سانسور و سرکوب، رانت‌خواری و غارتگری، ویران‌گری و سرکوب ایده‌ها و آرزوی‌های زیبای انسانی، کارکرد دیگری ندارد و فقط منافع حفظ خود و اقلیتی سرمایه‌دار را به هر بهائی، حتی با کشتار و آوارگی میلیون‌ها انسان مدنظر دارد. در چنین سیستمی به معنای واقعی دست شهروندان بسته است و یا باید مطیع و برده دولت و حاکمیت باشند و یا منتظر زندان و شکنجه و اعدام و تبعید و زندگی در انزوا و فلاکت اقتصادی را در پیش گیرند.

آنتونیو گرامشی، به‌عنوان یک مارکسیست با طرح این‌که فرهنگ توده‌ای، یک فرهنگ چند سلطه و فرهنگ مقاومت است، آن را در مقابل فرهنگ مسلط قرار داده و بیان می‌دارد که هژمونی فرهنگی طبقه مسلط که به‌عنوان دولت می‌توان محسوب کرد - اگرچه دولت از دیدگاه مارکسیستی ابزاری در دست طبقه مسلط است - از این طریق به چالش کشیده می‌شود. در مجموع باید گفت که دیدگاه مارکسیستی نقش دولت را در عرصه فرهنگ از این رو حائز اهمیت می‌داند که جهت کسب اجماع عمومی، برای پیروی طبقات پائین از طبقه مسلط برای دولت دارای نقش حیاتی است و کنترل اجتماعی از طریق کسب و ایجاد همین اجماع عمومی صورت می‌گیرد.

آنچه هم در این میانه به‌عنوان هنر «مستقل» شناخته می‌شود به سمت رانت خواری گرایش دارد. در این میان آنچه عملاً فراموش شده است خلق اثر هنری برای مردم است و از این مهم‌تر مبارزه با سانسور و اختناق و به طبع آن خودسانسوری. واقعا چگونه می‌شود از هنرمندی که تمام حیاتش وابسته به دولت است توقع داشت که با ممیزی مبارزه کند؟ آیا جز این است که این شکل از وابستگی به حکومت عین ریاکاری است؟ این در حالی است که معمولا این بخش از نویسندگان و هنرمندان دائم دم از مردمی بودن هم می‌زنند و همه جا خود را «خادم» مردم خوانده و

هدفشان را خدمت به فرهنگ و هنر می‌دانند. این جمع ضدین چگونه قابل توجیه است؟ چگونه می‌شود پذیرفت که هم مدح دولت و سیستم را بگوئیم و هم خود را در خدمت مردم بخوانیم در حالی که همواره خواسته سیستم حکومت با خواسته مردم در تضاد است؟ به خصوص در ساختارهای سیاسی ایدئولوژیکی مردسالاری و فاشیستی مثل ساختار حکومت اسلامی.

نهایتاً در تمامی جهان، تا وقتی هنرمند محتاج و وابسته به مراکز قدرت و دولت است، باید فاتحه‌اش را خواند؛ چرا که این‌گونه وابستگی و احساس نیاز از استقلال، رکگویی، سرحات، شفافیت و صداقت نگاه هنرمند به جهان پیرامون کاسته و در نتیجه قدرت تأثیرگذاری او را بر جامعه از بین می‌برد.

نهایتاً ابراهیم رئیسی، تولیت آستان قدس، یکی از کاندیداها و شاید مهم‌ترین کاندیدای اصول‌گرایان در انتخابات ریاست جمهوری اردیبهشت ۱۳۹۶ است. اما کاندیداتوری او به دلیل عضویت در «هیئت مرگ چهار نفره» که در سال ۱۳۶۷ احکام اعدام چند هزار زندانی سیاسی را صادر کرد. «هیئت مرگ چهار نفره» در تابستان ۱۳۶۷، در محاکمه‌هایی اغلب چند دقیقه‌ای، حدود پنج هزار زندانی سیاسی را به اعدام محکوم کرد. زندانیان محکوم به اعدام کسانی بودند که پیش‌تر محاکمه شده و در حال گذراندن حکم زندان خود بودند.

در روزهایی که این اعدام‌ها در جریان بود، آیت‌الله منتظری خطاب به اعضای هیئت مرگ، که ابراهیم رئیسی و پورمحمدی وزیر دادگستری دولت روحانی نیز یکی دیگر از آن‌ها بود گفت: «بزرگترین جنایتی که در جمهوری اسلامی شده و تاریخ ما را محکوم می‌کند به‌دست شما انجام شده و نام شما را در آینده جزو جنایت‌کاران در تاریخ می‌نویسند.»

حکومت اسلامی، پس از گذشت نزدیک به چهار دهه از حاکمیتش، هنوز به زندانیان سیاسی اجازه نمی‌دهد که از حق دفاع کنند و یا وکیل مدافع داشته باشند. همچنین در دادگاه‌های حکومت اسلامی، به خانواده‌های زندانیان اجازه حضور در آن و پی‌گیری پرونده اعضای خود داده نمی‌شود.

واقعیت این است که ماجرای انتخابات ریاست‌جمهوری و غیره در ایران را تنها باید در چارچوب رقابت میان جناح‌های درود حکومتی نگریند که هر یک در پی «تقسیم قدرت، حاکمیت، ثروت، رانت‌ها و پست‌ها اجرائی» برای حامیان خود است. به عبارات دیگر، رای مردم، رانی برای انتخاب نیست، بلکه رای به حکومت آپارتاید جنسی، سرکوب و سانسور، شکنجه و اعدام، ترور و خشونت، جنگ، تجاوز و فقر و فلاکت اقتصادی است.

در جمع‌بندی می‌توان گفت که افرادی که تصور می‌کنند رئیس دولت یا اعضای مجلس شورا یا خبرگان در ایران، بدون موافقت خامنه‌ای یا سپاه امکان‌پذیر است و رای مردم تأثیر دارد سخت در اشتباه هستند. حکومت اسلامی، شیفتگان بسیاری دارد که می‌خواهند با اتکا به آن، از امتیازات و رانت‌ها و پست و مقام برخوردار شوند. بیت و نهادهای امنیتی و نظامی و تبلیغاتی روی آن‌ها، حساب باز کرده و اعتماد دارند. بنابراین، آن‌ها حداکثر تلاش خود را می‌کنند که از کیسه مارگیری انتخابات کسی بیرون بیاید که اولاً بیش‌ترین وفاداری و حرف شنوی را داشته باشد و ثانیاً در کنار گوش به فرمانی صد در صد به رهبر و حاکمیت، به قشر روحانیت نیز وفادار باشد. اگر چنین نبود چه نیازی بود که حکومت صدها سایت اینترنتی و ده‌ها روزنامه و رادیو و تلویزیون انحصاری داشته و مدام به نفع یا علیه یک یا چند گروه تبلیغ کند. مهندسی انتخابات دقیقاً به معنای اقداماتی است که برای نیامدن نامزدهای غیر وفادار، از صافی رد شدن نامزدهای وفادار و انتخاب نامزد وفادار اما تا حدی مورد توجه بخشی از مردم انجام می‌شود.

اگر انتخابات به شکلی خام و به صورت انتصاب مستقیم انجام شود دیگر بخشی از اصلاح طلبان مذهبی و غربی قائل به اصلاح پذیر بودن حاکمیت و بخشی از دولی که می‌خواهند با ایران معامله و بده و بستان مخفی و علنی داشته باشند وجود و رقابت میان جناح میانه‌رو و جناح تندرو را باور نخواهند کرد. هنر رهبری و نهادهای وابسته به آن، در انجام این شعبده‌بازی سنگ تمام می‌گذارند و صحنه سیاسی کشور را طوری آرایش می‌دهند که انتخابات کاملاً انتصابات نباشد اما فرد غیر وفاداری نیز از صندوق بیرون نیاید و در عین حال بخشی از مردم و افکار عمومی جهان، تصور کنند که خود رئیس جمهوری را انتخاب کرده‌اند.

احمد شاملو در توصیف این دسته از هنرمندان و روشنفکران، چه زیبا گفته است: «آنان دزدانی با چراغ آمده هستند.»

سال‌ها پیش زنده‌یاد «احمد شاملو» در گفتگو با مسلم منصوری مستندساز و بینان‌گذار سینمایی زیرزمینی ایران، گفته بود: «روشنفکران برای اولین بار نیست که پشت حکومت‌ها پنهان می‌شوند و سر از آخور حکومت در می‌آورند. چیزی که عجیب است در این‌جا همیشه مردم عادی از به اصطلاح روشنفکر و هنرمندش جلوتر بوده‌اند.» «هنرمند همیشه بر قدرت است نه با قدرت، حالا اگر یکی می‌خواهد برود با قدرت باشد، بگذار برود خودش را با بند تنبان فلان رئیس‌جمهور دار بزند، اصل برایم مهم نیست، نه زنده بودنش برایم مهم است نه مردنش.» اکنون با توجه به مواضع احمد شاملو، باید از آن بخش نویسندگان و هنرمندان ایرانی پرسید که شما در این قدرت و حاکمیت سی و هشت ساله حکومت اسلامی و انتخاباتش چه چیزی نصیب شما و مردم عادی شده است که پس از این نیز بشود!

سه‌شنبه بیست و ششم اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۶ - شانزدهم مه ۲۰۱۷

ضمیمه:

بر اساس آنچه که تا امروز در فضای انتخابات رخ داده و رسانه‌های رسمی و غیررسمی نامزدهای مختلف اطلاع‌رسانی کرده‌اند هنرمندان مختلفی از برخی نامزدها حمایت کرده‌اند که اسامی آن‌ها به شرح زیر است. هنرمندانی که از حسن روحانی حمایت کردند:

اصغر فرهادی، رخشان بنی‌اعتماد، کیانوش عیاری، سیما تیرانداز، آزاده صمدی، حسین یاری، داریوش پیرنیاکان، همایون اسعدیان، دانیال حکیمی، سروش صحت، شهاب حسینی، ترانه علیدوستی، مهدی کرمپور، استاد امیرخانی، احترام برومند، فرهاد آئیش، طناز طباطبائی، آریتا موگویی، جمشید مشایخی، مهدی فخیمزاده، امیرشهاب رضویان، پوریا پورسرخ، امیرحسین رستمی، مهران رنجبر، امیر جعفری، سحر دولتشاهی، مهتاب کرامتی، ستاره اسکندری، کیومرث پوراحمد، رسول صدرعاملی، داریوش کاردان، الهام پاهنژاد، نازنین بیاتی، هستی مهدوی، حمید گودرزی، نوید محمدزاده، رضا عطاران، سامان مقدم، علی قربانزاده، ویشکا آسایش، الهام کردا، لیلی رشیدی، کامران تفتی، باران کوثری، مسعود امینی‌تیرانی، جعفر صانعی‌مقدم، مریم دوستی، حسن بیدی، آرش رصافی، علی کریم، ابراهیم ایرج‌زاد، بیژن میرباقری، مجید توکلی، مجید برزگر، حمید پورآذری، لاله اسکندری، پانته‌آ بهرام، بیژن بیرنگ، رسول ادهمی، مهدی احمدی، سیدجمال ساداتیان، نیوشا ضیغمی، پگاه آهنگرانی، فرمان فتحعلیان، عادل بزوده، پریوش نظریه، حسین زمان، محسن تنابنده، سهیل محمودی، شهره سلطانی، آرتیس برزیده، حسن برزیده، بهزاد فراهانی، رامین صدیقی، شیوا ابراهیمی، کیوان ساکت، محمدرضا هدایتی، حسن پورشیرازی، امیر جدیدی، اکبر عالمی، ناصر ممدوح، افشین هاشمی، برزو ارجمند، شهرام مکرری، محمد کارت، مرتضی جذاب، محمد حمزه‌ای، هادی آفریده، شیلا خداداد، نسیم ادبی، فریدون شهبازیان، اتابک نادری، نگار

جواهریان، الناز حبیبی، سعید سهیلی، مصطفی کیائی، صابر ابر، رضا کیانیان، محمد بصیری، کاوه سجادی حسینی، لیلیا رشوادی، علیرضا داودنژاد، مهرباب قاسمخانی، مهدی پاکدل، همایون غنی‌زاده، رامین ناصر نصیر، پریناز ایزدیار، رضا ناجی، غوغا بیات، عاطفه رضوی، شهرام عبدلی، نرگس آبیاری، منیژه حکمت، مسعود جعفری جوزانی، فاطمه معتمدآریا، هنگامه قاضیانی، فریبرز عرب‌نیا، داریوش اسدزاده، نگار فروزنده، وحید تاج، آرش عباسی، امین الله رشیدی، رضا داودنژاد، بابک کریمی، جواد نوروزبیگی، ابراهیم ابراهیمیان، شراره صالحی، فرهاد اصلانی، محمود دولت‌آبادی، پوران درخشنده، مهتاب کرامتی، حسین پاکدل، احسان کریمی، رضا صادقی، محسن امیریوسفی، سام درخشانی، عبدالحسین مختاباد، بهناز جعفری، ریما رامین‌فر، بهاره رهنما، احمد مهرانفر، ابوالفضل جلیلی، نگار اسکندر فر، پرند زائری، فرهاد توحیدی، سیدضیاء هاشمی، علیرضا رئیس‌یان، محمدحسین فرحبخش، بهروز بقائی، سجاد افشاریان، یدالله صمدی، داریوش ارجمند، هادی مرزبان، محمدعلی بهمنی، رضا یزدانی، قاسم افشار، محسن کیائی، حمیدرضا آزرنگ، مازیار میری، سعید روستائی، محمدرضا هنرمند، رضا رویگری، سامان احتشامی، دانیال حکیمی، سیدعلی صالحی، مستانه مهاجر، پریسا بخت‌آور، کمال تبریزی، علی ملکی، تینا پاکروان، فرشته صدرعرفائی، غزل شاکری، مهرداد اسکویی، کریستوف رضائی، شبنم مقدمی، پرستو گلستانی، فرانک جنیدی، مهدی سجاده‌چی، حجت اشرف‌زاده، احمد غلامی، فریبا کوثری، علیرضا شجاع‌نوری، محمد اطباتی، بهزاد خداویسی، هادی کاظمی، امیر اثباتی، مرجان اشرفی‌زاده، نادر برهانی مرند، افشین علا، آیدا پناهنده، پوریا آذربایجانی، کاتوسا قلم فرسائی، شالیزه عارف‌پور، حسین مهکام، مونا زندگی، بهرنگ دزفولی زاده، محمدعلی حسین‌نژاد، مازیار حبیبی نیا، آناهیتا افشار، عبدالستار کاکائی، پیروز ارجمند، از جمله هنرمندان شاخصی هستند که تاکنون حمایت خود را از حسن روحانی در دوازدهمین انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرده‌اند.

هنرمندانی که از ابراهیم رئیسی حمایت کرده‌اند:

ابوالقاسم طالبی، نادر طالب‌زاده، علیرضا قزوه، نیسیه شاه‌حسینی، جمال شورجه و محسن علی‌اکبری از جمله هنرمندان شاخصی هستند که تاکنون حمایت خود را از ابراهیم رئیسی در انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرده‌اند.

هنرمندانی که از محمدباقر قالیباف حمایت کرده‌اند:

محمود رضوی (تهیه‌کننده سینما) از جمله هنرمندان شاخصی است که تاکنون حمایت خود را از محمدباقر قالیباف اعلام کرده است.

از مصطفی میرسلیم و مصطفی هاشمی‌طبا نیز هیچ هنرمندی حمایت نکرده است.

همچنین از اسحاق جهانگیری تاکنون هنرمندی به صورت مستقیم حمایت نکرده است اما از آنجا که مواضع جهانگیری و روحانی بسیار به هم نزدیک است حمایت هنرمندان از حسن روحانی را می‌توان به نوعی حمایت غیرمستقیم از جهانگیری دانست زیرا برخی از سینماگرانی که از حسن روحانی حمایت کرده‌اند مانند فرشته طائرپور، مجید توکلی و سیدمحمد بهشتی در سال فلم انتخاباتی اسحاق جهانگیری نقش مهمی داشتند.